انعکاس

گاهنامه مستقل سیاسی، صنفی، اقتصادی و اجتماعی انعکاس | شماره دوم | اردیبهشت ۹۷

مدیر مسئول و سردبیر و صاحب امتیاز: هاشم عامری | شماره مجوز:۹۶۳۵۳۴

عمو سلفی!|۷

مثل آب خوردن!|۴

از شورای صنفی چه خبر؟|۸

شهر زیر پای احزاب|۱۳

رسالتی ملی و جهانی

هاشم عامری
کارشناسی صنایع ۹۵

درشماره‌ی قبلی گاهنامه انعکاس به بعضی توقعاتی پرداختیم که مسئولین، اساتید و خیلی‌های دیگر از دانشجو دارند. دانشجوی بیچاره از اسمش همواره سوء استفاده می‌شود و افراد مختلف، تفاسیر متفاوتی را از نام «دانشجو» برداشت می‌کنند و بر اساس این تفاسیر جورواجور، انتظاراتی را از او دارند. انتظاراتی که بعضا کاملا در مقابل هم قرار می‌گیرند.

جالب است گاهی هدایت دانشجو به ناکجاآباد با سیاست ظریفی صورت می‌گیرد. مثلا هندوانه‌هایی را زیر بغل او می‌گذارند تا در نهایت -کاملا هدفمند- همانی شود که «نامردان عرصه‌ی سیاست» می‌خواهند.

به عنوان نمونه در گوش او می‌خوانند: تو دانشجویی! همین لفظ خودش برایت شأنی می‌آورد که لازم نباشد آستین بالا زده و به چیزهایی بپردازی که از درست باز بمانی. بعضی هم خیالشان خوش است که : الهی جوانم درس بخواند، سرش گرم باشد و از آسیب‌ها به دور بماند. این‌ها از همان‌هایی هستند که صورت مسئله را پاک می‌کنند.

بس است. در این باب گفتنی‌ها زیاد است. دوست دارم زودتر به اصل مطلب برسم. یعنی ریشه‌یابی وضع موجود دانشجو و ارائه‌ی راه حل‌های واقعی! برای برون رفت از این حالت و رسیدن به جایگاه حقیقی « دانشجویی»

آخر می‌دانی! حسم این است که اگر دانشجو واقعا دانشجو باشد نه تنها دانشگاه و نظام آموزشی بلکه تمام جامعه درست خواهد شد. این شعار نیست، رسالت دانشجویی رسالتی ملی و جهانی است.

دانشجو جوان است و با انرژی. د رشماره‌ی قبلی نشریه سخنی از یکی از بزرگان آوردم که یکی از توقعات جدی از دانشجو را داشتن روحیه‌ی مطالبه‌گری می‌دانست، چیزی که الآن در میان قشر دانشجو به ندرت دیده می‌شود.

این مطالبه‌گری فقط مختص فضای دانشگاهی و آموزشی نیست. عدم وجود روحیه‌ی مطالبه‌گری البته از نداشتن آگاهی نشأت می‌گیرد. اصلا دانشجو باید آگاه باشد و این آگاهی با صرف درس خواندن حاصل نمی‌شود. خیلی‌ها پول می‌گیرند که نگذارند دانشجو آگاه باشد حتی با بیان این سخن که ما طرفدار آگاهی دانشجوییم، خوراکی را آماده می‌کنند به اسم آگاهی که در واقع یک بسته‌ی مدیریت شده است که به جای آگاهی ارائه می‌شود و دانشجو هم خیال می‌کند با صرف این خوراک، آگاه شد!

و آیا دانشجوی آگاه، یک دانشجوی ساکت و ساکن است؟

دانشجوی آگاه، تنها منتظر آمدن روزهای خوش و خوش خیال است؟ دانشجوی آگاه، غر می‌زند ولی از خود هزینه نمی‌کند؟ هزینه‌ای که گاه جانی، گاه مالی و گاه معنوی است. دانشجوی آگاه سرگرم است به آنچه برایش تدارک دیده‌اند؟ دانشجوی آگاه، سرش در لاک خودش است و به فکر این است که تنها گلیم خودش را از آب بیرون بکشد؟ و آیا دانشجوی آگاه همچون بقیه‌ی اقشار به دنبال یک زندگی بی دردسر است؟ پس چه کسی مقابل فساد و ظلم بایستد؟ چه کسی به مردم حقوق فراموش شده شان را یادآوری می‌کند؟ چه کسی به مردم کمک کند تا حقوق خود را از دست مسئولان بستانند؟ و چه کسی باید آنجا که به فرد آگاه و پر انرژی نیاز است وارد صحنه شود؟

حتی گاهی یک دانشجو دوران تحصیلی‌اش را پشت سر می‌گذراند بدون آن که به این مسائل حتی فکر کند. همین است که وقتی می‌خواهند ما دانشجویان را کنار هم جمع کنند، جشنی تدارک می‌بینند تا مخاطب حداکثری را به صحنه آورده و بگویند: ببینید چه قدر دانشجویان شادند! چه‌قدر فعال و پرانرژی‌اند! و ما هم با همین جشن، راضی شویم و تا مدت‌ها فکرمان به سمت کمبودها منحرف نمی‌شود، چه رسد به مسائل اصلی مغفول. یا اگر در فضای شهر مسئله‌ای رخ دهد، خدا خدا می‌کنند که به محیط دانشجویی کشیده نشود و مبادا دانشجو به صحنه بیاید. اصلا چرا نباید دانشجو وارد شود؟ مگر دانشجو چه قدر تاثیرگذار است و چه می‌تواند بکند؟ (همین مسئله نشان می‌دهد نقش دانشجو می‌تواند خیلی مهم و جدی باشد). آیا نمی‌شود از همین دانشجو استفاده کرد و خیلی از مشکلات را حل نمود؟ نکند کسانی از حل نشدن مشکلات سود می‌برند و موقع سخنرانی و همایش که می‌شود پشت تریبون در ظاهر دایه‌هایی از مادرِ مهربان‌ترِ ما می‌شوند. اصلا نمی‌خواهم صرفا سیاسی ببینم! ما حتی در مطالبه‌ی حقوق صنفی خود نیز بی حس و حالیم. اولا بی اطلاعیم؛ ثانیا حتی درصورت دانستن آن‌ها و رسیدن به یقینی که این حقوق ضایع شده‌است، باز هم کار خاصی انجام نمی‌دهیم. طبیعی است که فرصت‌طلبان از این موقعیت دانشجوی بیچاره سوء استفاده کنند و مطمئن باشند که دانشجو پیگیر مسائل صنفی خودش هم نیست چه رسد به مطالبه‌گری درفضای جامعه.

اتفاقا به نظرم برای بهبود وضع فعلی دانشجویی باید از همین «مطالبه‌گری صنفی» شروع کرد. زیرا آگاه‌سازی دانشجو نسبت به حقوق خود و برانگیختن وی برای دفاع از آن‌ها ساده‌تر است تا ایجاد حساسیت نسبت به مسائل اصلی (نه مسائلی که در رسانه‌ها به

جای مسائل اصلی جا می‌زنند) جامعه. آن‌وقت زمانی که این مهم صورت گرفت می توان امیدوار بود که دانشجو نسبت به جمیع مسائل جامعه حساس شده و دغدغه‌ی کمک برای حل آن‌ها را داشته باشد. متاسفانه حتی زمانی که عده‌ای برای حمایت از حقوق دانشجویی نامزد شورای صنفی دانشگاه می‌شوند، مای دانشجو زحمت حمایت آن‌ها و رأی به ایشان (که در واقعا رأی به خودمان است) را نمی‌دهیم. اما باید بدانیم که همه‌ی ما مسئولیم. طبیعتا رفتار فعلی مسئولان با ما نیز نشأت گرفته از همین سستی و رخوت در فضای حاکم میان ما است.

به نظرم مقصودم را درمورد مسئله‌ی صنفی دانشجویی رساندم. در شماره‌های بعد، به ادامه‌ی موضوع، مفصلا خواهم پرداخت و درمورد حقوق دانشجویی با جزئیات خواهم نوشت.

اصلاح طلب، اصولگرا کاذب
نمونه یک دوقطبی

علی‌اصغر یوسفی
کارشناسی مواد ۹۴

وقتی به آیات کتاب خدا، قرآن، و داستان‌های آن نگاه می‌اندازیم، همیشه شاهد نوعی نبرد و درگیری بین حق و باطل هستیم. داستان‌هایی که خداوند از زندگانی پیامبران ذکر می‌کند عمدتا داستان‌ها و ماجراهای درگیری پیامبران و طاغوت‌های زمان‌شان است. در واقع خداوند بیش از هر جنبه زندگی پیامبران، داستان مبارزات و تلاش‌های سیاسی فرستادگانش را ذکر می‌کند. وجود یک دوقطبی در فضای قدرت اجتناب ناپذیر است. پس باید ببینیم دوقطبی که خداوند در قرآن ذکر می‌کند چیست؟! « وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِی کُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ »

تنها دوقطبی که خداوند در فضای سیاسی بیان می‌کند، دوقطبی حق و باطل یا الله و طاغوت است. که با توجه به شرایط هر زمان حق در قالبی پدیدار می‌شود مثلا در یک زمان یک انقلاب عَلَم حق و اسلام ناب را برافراشته می‌کند و مردم را به آن فرا می‌خواند. در این فضا دوقطبی حق و باطل را می‌توان در همراهی یا مخالفت با این انقلاب تعریف کرد.

اما چیزی که در فضای سیاسی کشورمان شاهد آن هستیم، دوقطبی‌هایی است که نه از نظر دینی و نه از نظر عقلی دلیل و کارکردی ندارند. یکی از شایع‌ترین دوقطبی‌های کاذب موجود، دوقطبی اصلاح طلب و اصولگرا است.

اصولا یک دو قطبی درست باید به گونه‌ای باشد که در ویژگی‌ها، اهداف و قواعد این دو طرف هیچ گونه اشتراکی نباشد و مرز روشنی بین این دو قطب باشد. اگر یک دوقطبی چنین ویژگی داشته باشد می‌توان به درستی افراد و گروه‌ها را به یکی از این دو قطب نسبت داد. اما شاهد آن هستیم که مثلا یک نفر یک دوره با پرچم اصولگرا و یک دوره با پرچم اصلاح طلب به مجلس راه پیدا می‌کند! یا مثلا یک نفر که به وسیله اصلاح‌طلبان در انتخابات شورا پیروز شده است در نهایت به نفع یک نماینده اصولگرا رأی می‌دهد. یا در یک مسئله مثل برجام با وجود خط قرمزهایی که رهبر انقلاب تعیین کرده بودند و محقق نشد باز هم افراد زیادی از هر دو جریان این توافق را تبریک گفتند به طوری که این تصور ایجاد می‌شود که اشتراکات این دو گروه از اختلاف‌های‌شان بیشتر است. این نشان می‌دهد که این دو جناح مرزبندی‌های مشخصی ندارند و اصولا تعبیر دوقطبی برای آن‌ها صدق نمی‌کند.

> **دو جناح برای کشور، مثل دو بال‌اند که کشور با این دو بال می‌تواند پرواز کند. دو جناح مقابل هم در مجموعه‌ی نظام می‌توانند باشند و فعالیت کنند، ولی شرطش این است که به قانون اساسی وفادار باشند. بنده دعوای اصلاح‌طلب و اصول‌گرا را هم قبول ندارم. من این تقسیم‌بندی را غلط می‌دانم.**
>
> مقام معظم رهبری ۱۳۸۸/۳/۶

«دو جناح برای کشور، مثل دو بال‌اند که کشور با این دو بال می‌تواند پرواز کند. دو جناح مقابل هم در مجموعه‌ی نظام می‌توانند باشند و فعالیت کنند، ولی شرطش این است که به قانون اساسی وفادار باشند. این‌ها بر کار هم نظارت می‌کنند، با هم رقابت سالم می‌کنند. این مسابقه، پیشرفت به وجود می‌آورد و از بسته بودن تشکیلات گوناگون حکومتی جلوگیری می‌کند. این چیز مغتنم و خوبی است... بنده دعوای اصلاح‌طلب و اصول‌گرا را هم قبول ندارم. من این تقسیم‌بندی را غلط می‌دانم. نقطه‌ی مقابل اصول‌گرا، اصلاح‌طلب نیست. نقطه‌ی مقابل اصلاح‌طلب، اصول‌گرا نیست. نقطه‌ی مقابل اصول‌گرا، آدم بی‌اصول و لاابالی است؛ آدمی که به هیچ اصلی معتقد نیست، آدم هرهری مذهب است... نقطه‌ی مقابل اصلاح‌طلبی، افساد است. بنده معتقد به اصول‌گرای اصلاح‌طلبم؛ اصول متین و متقنی که از مبانی معرفتی اسلام برخاسته، با اصلاح روش‌ها به‌صورت روزبه‌روز و نوبه‌نو.»

پاراگرافی که خواندید نشان دهنده نحوه مواجهه رهبر معظم انقلاب با این مسئله است. ایشان این دو قطبی را نفی می‌کنند اما ازطرفی سعی می‌کنند از ظرفیت این دو گروه برای رقابتی سالم جهت پیشرفت و ارتقای کشور استفاده کنند.

اما متأسفانه در سال های اخیر منازعات بین دوجریان فضا را به سمتی پیش برده که درگیری‌ها و تخریب‌ها تا حدود زیادی راه را بررقابت سالم بین دو گروه بسته است. این جا است که یک دوقطبی خوب (رقابت و نقد در جهت پیشرفت) به یک دوقطبی بد (نزاع، درگیری و تخریب) تبدیل می‌شود.

این دوقطبی بد اگرچه ممکن است در آستانه یک انتخابات، موقتا آرا را افزایش دهد و شور انتخاباتی را بالا ببرد؛ ولی شعور انتخاباتی را قطعا کاهش می‌دهد. این دوقطبی کاذب در این برهه هیجانات سیاسی غیرواقعی و تعصبات نا به‌جا به وجود می‌آورد که امکان گفتگوی منطقی را کاهش می‌دهد. اصولا حرف حق در بستر آرامش اجتماعی پیش می‌رود و استحکام می‌یابد چون تبیین حرف حق زمان‌بر است.

شرمزاحم کم شد مثل آب خوردن

(بررسی اتفاقات اخیر برجام و چرایی عدم شکایت ایران در مجامع بین المللی)

رضا عاقبتی
کارشناسی مکانیک ۹۴

تاریخ مذاکرات ایران و قدرت‌های بزرگ جهان تاریخ طول و درازی دارد. بعداز انقلاب نیز مذاکرات زیادی انجام شد که می‌توان گفت مهم‌ترین و بزرگ‌ترین این مذاکرات برجام بود. برجام، نامی آشنا در عرصه جهانی مذاکرات و توافقی میان ۵+۱ کشور برای بررسی روابط میان خودشان و علی الخصوص جمهوری اسلامی ایران.

همانطور که از نام این مذاکرات مشخص است هدف برنامه ریزی و انجام اقداماتی مشترک برای رسیدن تمام کشورهای عضو به منفعت مورد نظر است. بررسی جزئی این توافقنامه در این مقال نمی‌گنجد و هدف ما صرفا بررسی نتیجه بخش بودن یا نبودن این توافق جامع می باشد.

هر کدام از کشورهای ۵+۱ وظایف مربوط به خودشان را در این توافق نامه امضا و تایید کردند. ایران نیز وظایفی داشت که مسئولین خداروشکر تمام و کمال بدون کمترین درنگی زحمت اجرای آنها را کشیدند، (تنها یک نمونه از این عجله در وفای عهد! را بگویم که داد خود آقای صالحی را هم درآورد؛ بر طبق توافق نامه ایران ملزم شده بود بسیاری از سانتریفیوژها را از کار انداخته و از مدار خارج و حتی از زمین نیروگاه هم جدا و منتقل کنند. اگر اطلاعاتی در زمینه طراحی سانتریفیوژ داشته باشید می‌دانید که بخاطر سرعت بسیار زیاد دوران داخل دستگاه و دقیق بودن طراحی در حد میکرون هرگونه لرزش و ارتعاشی در کنار سانتریفیوژ روشن وحتی خاموش منجر به از کار افتادن و تخریب آن می شود برای همین یک سری ابزارهای لرزه‌گیر و طراحی‌های پیچیده‌ای برای جلوگیری از تخریب این دستگاه‌ها در زیر ساخت دستگاه (زمین اجرایی موردنظر) انجام می‌شود. بعد از توافق سانتریفیوژهایی که تمام مراحل نصب و خارج سازی آنها از مدار باید طبق اصول مشخصی انجام می‌شد، بصورت فله‌ای و غیر اصولی کنده شد! و تمام زیرساخت آن موزاییک شد تا در کمترین زمان به دنیا وفای عهدمان را نشان دهیم و بخاطر همین قضیه آقای صالحی صحبتی کردند که ناشی از ناراحتی وی بود)

آن طرف میز مذاکره اما اوضاع طور دیگری بود و خبری از وفای به عهد و لغو تحریم‌ها نبود، حتی دیدیم تنها پس از چند روز از انجام توافق تعدادی تحریم جدید بر لیست بلند و بالای تحریم‌های ایران اضافه شد! البته ما منکر لغو تعداد بسیار کمی از تحریم‌های ایران نمی‌شویم ولی طبق صحبت مذاکره‌کنندگان و آقای روحانی تمامی تحریم‌ها از همان روز اول باید برداشته می‌شد.

آمریکا که آن زمان توسط ریاست جمهوری اوباما اداره می‌شد با وعده‌های زیبا و واهی هر روز خود ایران را برای انجام تعهدات خودش حمایت می‌کرد. زمان ریاست جمهوری اوباما در آمریکا تعداد بسیار زیادی از سران سیاسی ایالات متحده مخالف هرگونه توافق با ایران بودند نظیر بسیاری از نمایندگان کنگره آمریکا، اما ترازوی قدرت دست حزب موافق برجام بود.

انتخابات آمریکا انجام شد و ترامپ رئیس جمهور بعدی آمریکا انتخاب شد. فردی که مخالف سرسخت مذاکرات با ایران بود. نتیجه برجام چه می‌شود؟ دوره قبل که قدرت آمریکا دست موافقان برجام بود این‌گونه عهد شکنی کردند حال آنکه ترامپ دیوانه (تعبیر بسیاری از تحلیل‌گران) رئیس جمهور شده چه بلایی سر برجام می‌آید؟ البته جواب این سئوال را همگی می‌دانید که چه بلایی سر توافقنامه آمد؛ ترامپ با دلیل به ضرر آمریکا بودن ادامه اجرای! برجام توافق‌نامه را پاره و لغو کرد، دقیقا مثل آب خوردن :)

از بین بردن زیر ساخت‌های هسته‌ای از طریق تخریب و تضعیف چندین نیروگاه هسته‌ای مانند نیروگاه اراک و فردو، اخراج بسیاری از دانشمندان هسته‌ای و محققانی که عمر خودشان را روی توسعه این علم در کشور گذاشته بودند، فرار مغزی بسیاری از متخصصین این علم به خارج از ایران و مهاجرت به کشورهایی مانند آمریکا اروپا و کشورهای حاشیه خلیج فارس! جلوگیری از توسعه کمی و کیفی نیروگاه‌های هسته‌ای به طورکلی، منع استفاده از بسیاری از کاربردهای صلح‌آمیز علم هسته‌ای، اخراج و بیکار شدن بسیاری از دانشمندان صنعت موشکی و فضایی، منع ادامه بسیاری از بخش‌های تحقیقات و ساخت و پرتاب ماهواره‌های فضایی، انتقال و تبدیل ماهواره‌های موجود در صنعت فضایی به موزه! و هزاران هزار ضرری که به کشور وارد شد تا تمام تحریم‌ها برداشته شود اما دریغ از نیرنگ آمریکایی.

به نظر شما چند سال طول می‌کشد تا ضرر وارده را جبران کنیم؟ دانشمندانی که کشور را ترک کردند چگونه برگردانیم؟ شرکت‌های کوچک و بزرگ وابسته به هسته‌ای را چگونه می‌خواهید سرپا کنید؟ چندین سال طول می‌کشد تا وضعیت حال دانش هسته‌ای ایران دوباره به قدرت صنعتی سابق برسد. سرزمینی که بسیاری از کشورهای دنیا حسرت معادن اورانیوم آن‌را می‌خورند خودش از استخراج آن منع شده، چرا؟ چون تحریم‌ها برداشته شود :)

منفعت و ضرورت سه صنعت مهم هسته‌ای موشکی و فضایی بر همگان واضح و مبرهن است و لازم نیست اهمیت داشتن قدرت در این سه صنعت را به مسئولین گوشزد بکنیم ولی فقط به این نکته اکتفا می‌کنیم که اگر کشوری پشتوانه نیروی نظامی قدرتمندی نداشته باشد هیچ وقت نمی‌تواند در این نظام سلطه اقتصاد و رفاه واستقلال درستی داشته باشد.

حال این سئوال پیش می‌آید که چرا ایران اعتراضی به عدم پایبندی کشورهای دیگر عضو برجام نمی‌کند؟جواب سوال نیازمند بررسی جزئی‌تر متن توافق نامه و چگونگی اعتراض به آن پس از تصویب توافق‌نامه می‌باشد.

سه حالت اعتراضی برای ایران موجود می‌باشد اولا تشکیل جلسه ای با حضور ۸ عضو برجام و مطرح کردن اعتراض و سپس رأی‌گیری درباره آن. ولی یک مشکل وجود دارد و آن هم اینکه اگر نظر جمع مخالف اعتراض ایران باشد کل تحریم‌ها دوباره برمی‌گردد و همان آش و کاسه، نکته جالب اینجاست که اگر از ۸ عضو ۵ عضو رأی یکسان بدهند رأی تصویب می‌شود و به همین دلیل اگر ۵ کشور دیگر

مخالف ایران باشند که هستند رأی‌های شاید همسوی ایران (ایران، چین، روسیه) هیچ تأثیری ندارد. راه دوم برگزاری جلسه‌ای میان ایران و آمریکا و یک کشور بی‌طرف می‌باشد که با توجه به توافق نتیجه جلسه الزام برای اجرا ندارد! و راه سوم هم مطرح کردن در جلسه سازمان ملل که در آنجا هم آمریکا حق و تو دارد. برای همین دیپلمات‌های ما دست به فشار ایمیلی و توئیتی زدند که متأسفانه کارساز نبود.

با پاره کردن برجام از سوی امریکا و عدم وجود اصلی صریح در متن برجام در باب چگونگی پایداری توافق پس از خروج کشوری از توافق، ایران یک فرصت طلایی پیدا کرد که می‌توانست یا از توافق خارج شود بدون مقصر شدن یا حداقل با شروع مجدد فعالیت‌های هسته‌ای دست‌آویزی برای مجبور کردن اعضا برجام برای پایبندی به تعهدات‌شان ایجاد کند. اما این فرصت تقریبا سوزانده شد.

حال بعضی از مسئولین شعار برجام اروپایی می‌دهند. شعاری بس عجیب! انتظار دارند اروپا که تمام قدرت و صنعتش وابسته به غرب است از آنها دست بکشد و به ایران روی آورد. البته اروپایی ها هم این موضوع را فهمیده‌اند و روزی نیست که مقامی از اروپا درباره پایبندی اروپا به برجام صحبت نکنند.

شاید بتوان گفت تنها دستاوردی که این مذاکرات و نتیجه اش برای کشور داشت عبرت گرفتن بعضی مسئولین و مردم از ذات غرب بود حال آنکه بسیاری هنوز عبرت هم نگرفتند و دنبال برجام ۲ و ۳ هستند تا علی برکت الله صنایع عظیم جمهوری اسلامی را یکی پس از دیگری تقدیم کابوهای غربی بکنند.

بهترین موضع و نظری که ایران در قبال پاره‌کردن برجام توسط آمریکا و مطرح کردن برجام اروپایی می‌توانست بگیرد سخنان اخیر مقام معظم رهبری بود که عزتمندانه شروط ایران را برای پایبندی به توافق مطرح کرد و سخن از التزام جبهه‌گیری صریح اروپا در برابر تحریم‌های غرب کرد.

حال باید ببینیم تصمیم اروپا و بعضی غرب‌گرایان در ایران در باره برجام عوض می‌شود؟آیا مسئولین از تاریخ عبرت می‌گیرند؟ آیا مجلس این بار برجام اروپایی را بدون اجرای شروط رهبری تصویب می کند؟

امیرحسین بابابیان
کارشناسی صنایع ۹۵

علل افزایش نرخ ارز

قیمت ارزهای مختلف همیشه بخشی جدانشدنی و مؤثر در اقتصاد است و بسیاری از مردم روزانه با آن سروکار دارند. روند صعودی قیمت دلار در روزهای اخیر صفهای درازی را در برابر صرافی‌ها راه انداخته است. قیمت دلار در روزهای گذشته از مرز ۶۸۰۰ تومان گذشت و تا ۷۰۰۰ تومان نیز رسید و رکورد تازه‌ای زد. درباره علت گران‌شدن دلار تحلیل‌های مختلفی وجود دارد اما چه عواملی باعث بالا و پایین‌شدن قیمت واحدهای ارزی می‌شود؟

در ادامه به معرفی چند مورد از عوامل تأثیرگذار می‌پردازیم:

۱. تفاوت تورم در کشورهای طرفین

مهم‌ترین علت تغییرات قیمت‌ها، تورم در کشورهای طرفین است؛ مثلا وقتی تورم در ایران ده برابر کشور دیگری باشد، ارزش ریال نسبت به کشور هدف در یک سال به میزان ده برابر کاهش می‌یابد. در اصطلاح به این اتفاق، کاهش ارزش پول گفته می‌شود.

در اقتصاد، پایین نگه داشتن ارزش پول یکی از عوامل رونق اقتصادی به حساب می‌آید. این روش به این خاطر اجرا می‌شود که کشورهای دیگر را برای خرید محصولات از کشورهای دارای واحد پولی با ارزش پایین ترغیب کند؛ چون به این ترتیب آن‌ها متحمل هزینه کمتری خواهند شد. این تمایل به پایین نگه داشتن ارزش پول در صورتی می‌تواند به اقتصاد کشور کمک کند که دولت آن را از تک‌محصولی بودن خارج سازد و تولیدات خود را صادر کند. مثالی که در این رابطه بارها مورد استفاده قرار گرفته است، کشور چین می‌باشد.

چین مدت‌ها پیش برای افزایش صادراتش، سعی کرد تا ارزش پول خود را کاهش دهد و به این ترتیب با افزایش تولید به صورت موازی حالا شاهد هجوم اجناس چینی به بازار تمام دنیا هستیم. در مقابل در ایران، سیاست‌مداران به دلایل مختلف معمولاً اجازه نمی‌دهند سیاست ارزی براساس مبانی کارشناسی تنظیم شود و در نتیجه قوانین اقتصاد، این تنظیم معادله را بر کشور تحمیل می‌کند. تنها تفاوت این دو روش هم در این است که در اولی (تنظیم خودخواسته سیاست ارزی با مبانی کارشناسی) می‌توان از فرصت‌های آن به‌طور کامل بهره جست ولی در دومی (تحمیل سیاست ارزی ازسوی قوانین اقتصاد) نه‌تنها بسیاری از فرصت‌ها به باد داده می‌شوند، بلکه سیگنال‌های بی‌ثباتی اقتصادی و ناتوانی مدیریتی نیز به جامعه ارسال می‌شود. (علی میرزاخانی، سال ۱۳۹۷)

۲. هزینه‌های دولت (سیاست‌های پولی و مالی)

هزینه‌ها یا بطور کلی بودجه دولت نیز بر نرخ ارز تأثیر می‌گذارد؛ یعنی در صورت افزایش هزینه‌های دولت، در آمد ملی افزایش می‌یابد و باعث افزایش مقدار واردات گردیده و در نتیجه نرخ ارز را افزایش خواهد داد.

۳. عرضه و تقاضا (با رویکرد سیاسی)

یک اصل اقتصادی بسیار بنیادین، اصل تعادل عرضه و تقاضا است. زمانی که تقاضا با عرضه مساوی باشد، بازار در حالت تعادل قرار دارد اما وقتی که عرضه کمتر از تقاضا می‌شود، قاعدتا قیمت‌ها صعود می‌کند؛ مخصوصا که بسیاری از کسب و کارها و فعالیت‌ها به دریافت ارز بستگی دارد. علل تغییر ناگهانی عرضه و تقاضا می‌تواند دلایل مختلفی در جامعه داشته باشد؛ برای مثال تنش‌ها، کشمکش‌ها، برخوردهای روانی و فیزیکی، شایعات، جنگ تبلیغاتی، تحریم‌های اقتصادی، خروج کشوری از برجام و ... همه و همه باعث افزایش قیمت‌ها و نرخ ارز می‌شوند. اثرگذاری این علت فقط در شرایطی قابل تأیید است که بازار ارز از سمت تقاضا، تحت فشار سفته‌بازانه نباشد و چنانچه عدم تعادل بازار ناشی از مازاد تقاضا باشد، روش وسیع ارزهای خارجی فقط باعث پرتاب جهش نرخ ارز به آینده می‌شود.

۴. کاهش سود بانکی

یک علت جهش نرخ دلار برمی‌گردد به کاهش سود بانکی توسط بانک‌ها که از آنجایی که ما در کشور، حوزه‌ای سودآورتر از حوزه ارز و سکه نداریم، همین کاهش سود بانکی باعث شد تا سرمایه‌ها به بازار ارز سرازیر شود. از طرفی با مطرح شدن شایعه ورشکسته‌شدن برخی از بانک‌های خصوصی و صندوق‌های سرمایه گذاری، مردم اساسا به سرمایه‌گذاری در بانک‌ها بدبین شده‌اند. همه اینها در مجموع باعث می‌شود تا سیل سرمایه‌ها به سمت بازار ارز میل کند.

با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان گفت که قیمت ارز در کشور (در سال‌های اخیر) بیشتر تابعی از دلایل روانی، سیاسی و نرخ تورم بوده است. امید می‌رود تصمیم‌سازان اقتصادی و سیاسیون بالادست آن‌ها، با شیفت از سیاست سرکوب نرخ ارز به سیاست شناورسازی نرخ ارز و اتخاذ سیاست مهار نوسان در حول و حوش سیگنال بازار به جای تثبیت نرخ اسمی، خود را از اسارت یک پیروزی اسمی رها کنند تا رهایی اقتصاد از اسارت رکود امکان‌پذیر شود.

ایمان جعفری
کارشناسی صنایع ۹۵

چشم‌ها را باید شست...

در دورانی که زن‌ها نادانسته به گوشه‌ای از جامعه و سیاست پرت می‌شوند و سطح دغدغه‌ی مهم آن‌ها به رنگ لاک ناخن خود تقلیل میابد و یا اگر خیلی روشن‌فکرانه بیاندیشند، مهمترین دغدغه‌ی آن‌ها می‌شود ورود به ورزشگاه و بدون آن هیچ دغدغه‌ی دیگری ندارند و یا حتی برای ساختن فرهنگ ورودشان به ورزشگاه، هیچ راهکاری ارائه نمی‌دهند، چنین زنی پیدا می‌شود که تمام مرا مجذوب تمام سخنان خود می‌کند... نه اینکه سخنان جذاب است چون سخنران زن است!

اما امان از تحلیل‌ها و صحبت‌های پس از صحبت‌های سحر مهرابی! از شانتاژهای بی‌پایان رسانه‌ای جهت نشان دادن آزادی بیان در جمهوری اسلامی گرفته تا ادعاها جهت بازی نشان دادن و یا حتی ساختگی بودن این سخنرانی.

اما نکته‌ی این حقیر! آزادی مفهوم و پدیداری طیفی است، هر فرد درک متفاوتی از آزادی بر اساس فهم خود دارد. شاید برای عده ای اوج آزادی بیان، همین چند دقیقه انتقاد در نزد مقام عظمای ولایت که آنهم شاید سالی یک یا دوبار امکانش فراهم است باشد و شاید هم برای عده‌ای دیگر، ایران جهنمی تمام عیار باشد! جهنمی که حتی آزادی که به آزادی موجود در جمهوری اسلامی انتقاد می‌کنند، در آن دیده نمی‌شود.

اما این سخنرانی نه اوج آزادی را حکایت می‌کند و نه یک بازی است برای نشان دادن آزادی! صحبت‌های این زن، سطحی از آزادی را حکایت میکند. سطحی که شاید برای عده‌ای که به سطوح بالاتر نمی‌اندیشند، اوج آزادی باشد و برای عده‌ای که به سطوح بالاتر می‌اندیشند ولیکن انصاف ندارند و این سطح را نمی‌بینند، اصلا آزادی نباشد و ایران جهنمی پر از خفقان و سکوت باشد!

همه چیز حتی میزان هیجان ما پس از شنیدن این سخنرانی، بستگی به نگاه و فهم و انصاف ما دارد.

(چشم ها را باید شست،جور دیگر باید دید...)

عملکرد شورای صنفی

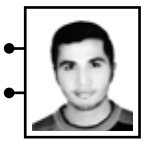

محمد رستگارفر
کارشناسی صنایع ۹۴

شورای صنفی شورایی برای پیگیری مطالبات دانشجویان می‌باشد که پس از وقفه‌ای چند ساله مدت دو سال هست که مشغول به فعالیت می‌باشد. اما در این بین شورای صنفی دانشکده مهندسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد چرا که قریب به ۶۰۰۰ دانشجو در این دانشکده مشغول به تحصیل می‌باشند و این یعنی چیزی در حدود یک چهارم دانشجویان کل دانشگاه فردوسی! و خب این حجم از دانشجو مسئولیت شورای صنفی دانشکده مهندسی را نسبت به شورای صنفی سایر دانشکده‌ها به مراتب سنگین‌تر کرده‌است.

انتخابات شورای این دوره در دانشکده مهندسی آبان‌ماه سال قبل برگزار شد، اکثریت اعضای شورا از لیستی منتصب به لیست یار دبستانی رأی آوردند که این لیست منتخب انجمنها و تشکل‌های اسلامی بود. از این‌ها که بگذریم حال باید ببینیم که این شورا توانسته آن‌چنان که باید و شاید از عهده‌ی مسئولیت سنگین خود بر آید؟!

این شورا در راستای انجام وظیفه‌ی خود، کانالی برای اطلاع‌رسانی و گروهی برای بحث و پیگیری مطالبات دانشجویان تشکیل داد که اما بهتر بود این گروه از ابتدا تشکیل نمی‌شد و علت این مورد را درادامه خدمتتون عرض خواهم کرد. بهتر آن بود که به جای این گروه زمانی را مشخص می‌کرد تا دانشجویان با مراجعه حضوری به دفتر شورای صنفی مطالبات خود را بیان کنند. جالب است بدانید زمانی که در مورد مراجعه حضوری با یکی از اعضای شورا صحبت می‌کردم در جوابم گفت که گروه برای دانشجویان و اعضای شورا در دسترس‌تر است!

اوایل تشکیل گروه اوضاع خوب بود و به مطالبات دانشجویان رسیدگی می‌شد اما پس از مدتی گروه از هدف اصلی خود خارج و محلی برای بحث های جناحی و حزبی تبدیل شد، این مسئله باعث شد که مطالبات دانشجویان در حاشیه قرار گیرد!

یکی از موارد مهمی که باعث شد بحث‌های زیادی داخل این گروه این صورت بگیرد، ادعای اعضای شورا مبنی براینکه اتاق شورای صنفی برای برگزاری جلسات شورا کوچک می‌باشد! این موضوع باعث شد که شورا تعدادی از جلسات خود را داخل راهروی انجمن‌ها برگزار کندکه دور از شأن شورای صنفی دانشکده مهندسی می‌باشد و حال آن‌که جلسات می‌توانست در اتاق شورای برق یا در یکی از اتاق‌های انجمن‌ها یا تشکل‌های بزرگ تشکیل شود و برای مراجعه حضوری دانشجویان همان اتاق فعلی کافی‌است.

یکی دیگر از بحث‌هایی که داخل گروه صورت گرفت مربوط به کم لطفی و دید از بالا به پایین شورای صنفی کل دانشگاه نسبت به شورای صنفی دانشکده مهندسی بود و این موضوع برای خود بنده نیز ابهام وجود داشت؛ تا اینکه در جلسه‌ای حضوری با دبیر شورای صنفی کل به بحث و گفت‌وگو پرداختم و متوجه شدم که شورای کل نیز جلساتی دارد که در آن نماینده ای از شورای صنفی هر دانشکده برای بیان مشکلات موجود در دانشکده خود حضور دارد و دبیر کل اذعان داشتند که در بیش از نیمی از این جلسات نماینده ای از شورای صنفی شرکت نکرده‌است که در اصل دبیر یا نایب دبیر شورای صنفی دانشکده مهندسی بایستی در این جلسات شرکت کند.

در این باره دبیر کل شورا صنفی دانشگاه گفتند که دانشجویان مهندسی می‌توانند برای بیان مشکلات خود به دفتر شورای کل واقع در جنب امور دانشجویی کل مراجعه کنند.

در پایان نکاتی رو خدمتتون عرض می‌کنم تا در انتخابات شورای صنفی بعدی این نکات رو مد نظر قرار بدین و شورا صنفی بهتری برای پیگیری مطالبات و حل مشکلات خود داشته باشیم:

۱. افرادی را انتخاب کنید که واقعا دغدغه حل مشکلات دانشجویان را دارند نه اینکه صرفا به خاطر رفیق بودن و کسب تجربه و جمع‌آوری رزومه کاندید شده باشند.

۲. افرادی را انتخاب کنید که در انجمن‌ها یا تشکل‌های دیگر فعالیت کمتری انجام می‌دهند زیرا این مسئله باعث میشود که زمان بیشتری برای پیگیری و حل مشکلات دانشجویان صرف شود.

۳. از انتخاب‌های حزبی به شدت پرهیز کنید و افرادی را انتخاب کنید که شایستگی لازم به عنوان عضو شورا بودن را دارند.

عمو سلفی

ابوالفضل قاسم‌زاده
کارشناسی مکانیک ۹۳

مهربان است و خوش قلب. همیشه با خوش‌رویی جوابت را می‌دهد و لبخندی را هم به آن ضمیمه می‌کند. صبور است و به انتقادات گوش می‌کند. معمولا هم تا حد توان برای حل مشکلت، یاری‌ات می‌کند. ابتدائا شاید از چهره آرام و با ابهتش این‌ها را نفهمی. اما اگر از قبل بشناسیش، و یا لازم شود که با او ارتباط بگیری، این ویژگی‌ها را در او خواهی یافت و به صدای نسبتا زیر اما گرم و دلنشینش پی می‌بری... «عمو سلفی» را می‌گویم. هم او که در سلف زیتون دانشکده مهندسی هر روز در قسمت سرویس‌دهی به دانشجویان حضور دارد. بیشتر هم کارش نظارت است. و از طرفی پاسخ‌گویی به دانشجویان و راه‌اندازی بعضی از اموراتشان! البته نمی‌دانم که این راه‌اندازی تا چه حد در حیطه اختیارات قانونی اوست و تا چه حد از لطف او نشأت می‌گیرد. ولی مهم این است تلاشش را برای کمک‌رسانی به دانشجویان انجام می‌دهد. و می‌دانی حتی آن وقتی که به در بسته می‌خوری و حتی با کمک او نیز کارت

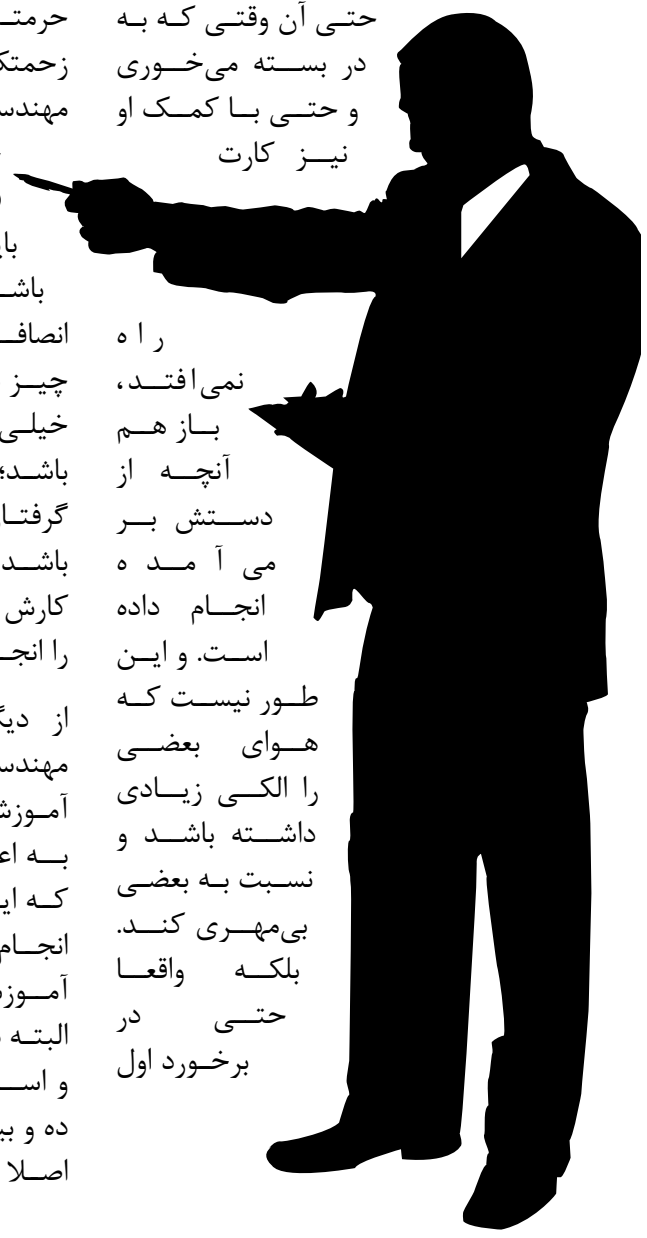

راه نمی‌افتد، باز هم آنچه از دستش بر می‌آمده انجام داده است. و این طور نیست که هوای بعضی را الکی زیادی داشته باشد و نسبت به بعضی بی‌مهری کند. بلکه واقعا حتی در برخورد اول نیز که تو را نمی‌شناسد، تحویلت می‌گیرد و حداقل به درستی راهنمایی‌ات می‌کند! حال اگر با او آشنا بشوی نیز که چه بهتر! نمی‌خواهم بگویم بی عیب است و یا تا بحال به آنچه می خواسته‌ام، همیشه توسط او رسیده‌ام. خیلی وقت‌ها با توجه به شرایط نتوانسته خواسته‌ام را برآورده کند. اما مطمئن بوده‌ام که از سر کم کاری و بی توجهی نیست، بلکه در همان شرایط هم حداقل اخم نکرده‌است؛ صدایش را بالا نبرده‌است، با دانشجو بد برخورد نکرده‌است و جواب غیرمنطقی و از سر خودخواهی به تو نداده است. چیزی که امروزه کمتر در بین افراد مختلف (چه مسئول، چه کارمند و ...) دیده می‌شود. بالاخره حتما یک فرقی با بقیه داشته که از دانشجویان لقب «عمو» گرفته‌است. و آیا این لقب را بقیه مسئولین نمی‌توانند بگیرند؟ هیچ کسر شأنی هم نیست و هیچ این طور نیست که دانشجویان چون می‌بینند خیلی‌ها به او عمو می‌گویند، حرمتش را رعایت نکنند. البته هستند افراد زحمتکش و درست‌کار زیادی در دانشکده مهندسی و سایر اماکن دانشگاه که مشغول خدمت‌رسانی به دانشجویان هستند (که اگر مسئولیتی را پذیرفته‌اند، باید حقا خدمت‌گزار دانشجویان باشند و هیچ منتی هم نگذارند)، اما انصافا این عمو سلفی دانشکده ما یک چیز دیگری است. شاید حقوقش هم از خیلی از کارمندان و مسئولین دانشگاه کمتر باشد؛ و شاید مثل بقیه هزار و یک جور گرفتاری و مشکل هم در زندگی‌اش داشته باشد؛ ولی این‌ها را بهانه نمی‌کند تا از کارش بزند و یا به نحو احسن مسئولیتش را انجام ندهد.

از دیگر کارمندهای نمونه دانشکده مهندسی، آقای میرزائی است که در قسمت آموزش این دانشکده مشغول است. این را به اعتراف دانشجویان اطرافم می‌گویم که این فرد واقعا کار چند نفر مشابه را انجام می‌دهد. و از بقیه کارمندان بخش آموزش پر انرژی‌تر و سرحال‌تر است. و البته داریم از آن طرف مسئولین، کارمندان و اساتیدی که شاید حقوق‌های بالای ده و بیست میلیون تومان می‌گیرند، اما اصلا آن‌طور که باید و شاید با دانشجو تعامل ندارند. حتی بعضا غر هم می‌زنند و کم‌شان هم هست! استاد داشتیم که گفتیم: آقا بیا جواب اعتراضات امتحان پایان ترم ما رو بده! و برگشت گفت: مگر من چند تومن حقوق از دانشگاه می‌گیرم که بیام جواب اعتراضای شما رو هم بدم!؟!؟!؟ و یا مسئولینی که همیشه طوری جوابت را می‌دهند که انگار یک چیزی هم بدهکاری! خوب عمو! اگر ناراحتی پاشو برو از دانشگاه و این کار دولتی رو واگذار کن! بذار چار تا جوون با انرژی و متخصص‌تر بیان جات. اصلا می‌دونی با حقوق تو چند نفر جوون می‌تونن برن سر خونه زندگی؟ اصلا می‌دونی این حقوقا برای دولت داره چه قدر آب می‌خوره و بعد وقتی می‌خواد کسری بودجه‌شو جبران کنه، از خدمات بخش حوزه فرهنگ و آموزش می‌زنه؟ می‌دونی چه قدر داریم دانشجویان فارغ‌التحصیل دکتری با معدل‌های تاپ و تخصص‌های بالا و اخلاق و رفتار بهتر با دانشجو که در صف استخدام‌اند و این آقایون هنوز به فکر بیشتر وایستادن و کمتر کار کردن و بیشتر حقوق گرفتن‌اند؟ و اگر کل وقت مفیدشون رو در روز حساب کنی، به زور به یکی دو ساعت می‌رسه!

بگذریم. در نوشتار دنبال چیز دیگری هستم. می‌خواستم از عمو سلفی دانشکده‌مان عکسی هم بگذارم، اما گفتم شاید قلبا راضی نباشد و ترجیح دادم جای چهره را خالی بگذارم. به هر حال امکان دارد خیلی‌های دیگر نیز شایسته تقدیر باشند که معمولا از قلم می‌افتند. آخر می‌دانی! من و تو دانشجو انتقاد و مطالبه را خوب بلدیم. که همانم بلد نیستیم؛ اما تقدیر و تشکر را کمتر یاد گرفته‌ایم و کمتر برایش زمان می‌گذاریم. در صورتی که اثری که یک تقدیر درست حسابی دارد، شاید انبوهی از بهترین انتقادات حتی اصولی نیز نداشته باشد. و چه قدر می‌تواند در به راه افتادن یک سلسله اتفاقات مثبت به دنبال آن تأثیرگذار باشد.که البته متأسفانه قالب‌های سپاس‌گزاری‌مان هم یک سری قالب‌های محدود و تکراری است که کمترین هزینه را برایش می‌پردازیم. و این متن ان‌شاءالله کمترین تقدیری باشد که از این عزیز به عمل می‌آید و آغازی باشد بر ادامه البته با کیفیت‌تر این سپاس‌گزاری‌ها. و نکته آخر اینکه یادمان باشد: «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق»

از شورای صنفی چه‌چخبر؟

رضا عاقبتی
کارشناسی مکانیک ۹۴
ابوالفضل قاسم‌زاده
کارشناسی مکانیک ۹۳

در دومین شماره «انعکاس»، جهت پیگیری بعضی از مطالبات منتقل شده از طرف شما دانشجویان و آشنایی بیشتر با شورای صنفی دانشجویان، به سراغ دبیر شورای صنفی دانشجویان دانشگاه فردوسی رفتیم و در مورد وضعیت فعلی شورا با ایشان گفتگو کردیم. متن این مصاحبه بدین شرح است:

آقای حسینی سلام! ممنون از این‌که لطف کردید و دعوت ما رو قبول کردید. لطفا خودتون رو معرفی بفرمایید.

● خواهش می‌کنم. سید محمد حسینی هستم. دانشجوی رشته روانشناسی گرایش کودکان استثنائی ورودی ۹۳.

شما امسال دبیر شورای صنفی دانشجویان دانشگاه فردوسی هستید. از چه زمانی دبیر شدید و آیا قبلا هم سابقه کار با شورای صنفی رو داشتید؟

● بله از آذر ماه ۹۶ و با شروع دور دوم شورا به این سمت انتخاب شدم. سال قبل از آن هم دبیر شورای صنفی خوابگاه‌های فجر بودم.

سابقه کار تشکیلاتی دیگری هم دارید؟

● بله. دبیر کانون نماز هم بوده ام.

امسال مهم‌ترین پیگیری‌های شورا چی بوده؟

● از مهم‌ترین‌ها یکی پیگیری خوابگاه‌های جدید هست. تأسیس خوابگاه‌های جدید و از جمله خوابگاه‌های متأهلی. حتی از بیرون دانشگاه هم پیگیری کرده‌ایم. پیگیری دیگر بحث تغذیه و بهداشت بود که شورای صنفی به صورت جدی در این مورد ورود کرد و امروز اعلام می‌کنیم که این شورا نظارت کامل در روند تهیه و پخت و توزیع غذا در مراکز تغذیه صورت می‌گیرد. پیگیری دیگری که در این ایام داشتیم، بحث سنوات آموزشی بود. کار جدیدی که در این شورا انجام دادیم شاید در کل شوراهای صنفی دانشجویان کشور سرآمد باشد این است که حدود هفتاد ناظر دانشجویی داریم که در حوزه دانشجویی در سالن‌های ورزشی، فروشگاه‌ها، تریاها، سلف و هر جایی که به دانشجو مربوط می‌شود نظارت می‌کنند و تقریبا هفته‌ای چهارصد ساعت زمان گذاشته می‌شود و دویست بازدید صورت می‌گیرد. و بعد از این ناظرین، کمیته پیگیری داریم که وظیفه‌اش این است که گزارش‌هایی را که در طول هفته از کمیته‌های مختلف می‌رسد، پیگیری کند و با مراکز و مسئولین مربوطه تماس می‌گیرند و تخلفات یا اشکال‌ها را گزارش می‌دهند تا آن‌ها برطرف کنند. که اگر برطرف نشود و در گزارش هفته بعد این تخلف گزارش شود، به مسئول بالاتر گزارش ارجاع داده می‌شود.

در مطالبات دانشجویان، شورای صنفی بیشتر طرف دانشجوهاست یا سعی بر تعامل با مسئولین رو داره؟

● ببینید ما طرف انصاف و حق هستیم. خیلی وقت ها دانشجوها مطالبات به حق و منصفانه ای را مطرح می‌کنند و ما هم به عنوان

نمایندگان دانشجوها عموما پیگیریم. همیشه هم همین بوده است. اما گاهی اوقات حرف مسئولین درست است. پس ما نباید فقط چشممان را ببندیم و بگوییم چون مطالبه دانشجوست، حتما باید انجام بشود ما روز اول هم در شورا شعارمان مطالبه‌گری منصافه بوده و الآن هم هست. اگر مطالبه‌گری را منصفانه ببینیم، از هر سمتی که باشد، قطعا پیگیری می‌کنیم.

مهم‌ترین مزیت‌های این شورا رو نسبت به شورای قبل به عنوان یک عضو منصف که در هر دو دوره بوده و مسئولیت داشته، عنوان بفرمایید.

● سال قبل شاید نگاه خیلی خوبی به شورای صنفی نبود. این‌که اصلا شورای صنفی چیست؟ و به خاطر همین فعالیت‌ها بیشتر به سمت و سویی می‌رفت که شورا خودش را تثبیت کند. و امسال هم ادامه همان راه است. یعنی امسال توانستیم به آن حد از مطلوبیت بین دانشجویان و مسئولین برسیم که مرجع قانونی پیگیری مطالبات صنفی خود را شورای صنفی بدانند. بالاخره شورای صنفی پنج سال در دانشگاه نبوده است و این حق را به همه جریان‌ها باید داد که ندانند این شورا چیست و چه‌طور می‌شود استفاده بهینه و درست از آن انجام داد. ویژگی این شورا این است که در این دوره افرادی شرکت کردند که شاید آگاهی بیشتری نسبت به قبل دارند. بالاخره تجربه یک سال حضور و فعالیت شورای صنفی در دانشگاه این آگاهی را به دانشجویان داد که با آگاهی بیشتری به عرصه بیایند و عضو شوند و مسئولیتی قبول کنند. خوب این خودش به ما خیلی کمک کرده است. ما متأسفانه در دوره قبل مسئول یکی کمیته‌مان که دبیر یک دانشکده هم بودند چند ماه حضور نداشت و عملا این کمیته تعطیل بود. البته کمیته‌های فعالی هم بوده است مثل کمیته پژوهشی که این دوره هم مسئولش همان فرد قبلی هستند و دارند در ادامه فعالیت‌های قبل کار می‌کنند و یا کمیته تغذیه و بهداشت نیز به همین شکل از سال قبل توسط بزرگوارانی فعال بوده‌است و امسال هم در شورا حضور دارند و ادامه همان پیگیری‌ها را داشته‌اند. دبیر کمیته تغذیه و بهداشت خوابگاه در سال قبل، امسال دبیر کمیته بهداشت و تغذیه دانشگاه هستند. و همین تجربه یکساله‌ای به اعضا شورا داده‌است. نقاط قوت و ضعف را هم باید دانشجویان بگویند. ما شاید نقاط قوت را بگوییم، سوء برداشتی از سمت مخاطب شود. و ما صحبتی از برتری و ... نمی‌کنیم. فقط کلیاتی از یک سری اصول می‌گوییم. بیشتر از این هم از سمت ما گفتنش لازم نیست و باید دانشجوها بگویند.

آیا سید محمد حسینی شخصا علایق و سلایق شخصی خودش در زمینه دانشجویی، سیاسی و اجتماعی را در پیگیری مطالبات دخیل می کند یا خیر؟

● وقتی شما در شورایی بدین شکل که باید مستقل از هر چیزی بود مسئولیت می‌گیرید، دیگر نگاه‌تان نباید نگاه سلیقه‌ای باشد. ما هر موردی که به سمت شورا آمده‌است و از شورا درخواست شده که پیگیری کند را در قدم اول بررسی و پیگیری کرده‌ایم. بررسی شدن یعنی ببینیم که عقبه این کار چیست، در اجرا قرار است چه شود و همه این‌ها را در نظر می‌گیریم و بعد اعلام نظر می‌کنیم. مثلا در مورد موضوع دوچرخه سواری بانوان، از شورا خواسته شد که اعلام موضع کنیم. ما کمیته حمل و نقل‌مان و همچنین فراکسیون بانوان و سایر کمیته‌های درگیر از جمله کمیته محیط زیست بررسی کردند تا ببینند نتیجه چه می‌شود. حرف اعضا این کمیته‌ها در بررسی‌ها این بوده که زیرساخت‌های این کار چه برای بانوان و چه برای آقایان هنوز در دانشگاه فراهم نیست که حالا بخواهیم اعلام نظر کنیم که دوچرخه سواری باشد یا نباشد و یا به چه شکلی باشد. خوب ما موضع‌مان را اعلام کردیم که شورای صنفی مطالبه‌اش این است که در بحث دوچرخه سواری مسئولین باید زیرساخت‌ها را فراهم کنند. یعنی مثلا مسیر و امکانات مناسب که به هیچ وجه در حال حاضر مناسب نیست و خیلی موارد دیگری که به سمت شورا آمده‌است و شورا نظرش را بدین شکل داده‌است. یعنی این نبوده که ما بخواهیم سوگیری خاصی داشته باشیم. نه، بررسی کردیم توسط دبیرانی که الحمدلله از همه سلیقه‌ها و طیف‌ها در مجموعه هستند. و این موجب می‌شود که ما وقتی می‌خواهیم یک تصمیمی بگیریم، از چند زاویه به آن نگاه کنیم. و این نیست که آقای حسینی و چه هر کس دیگری در شورا بخواهد نگاه‌ش سلیقه‌ای باشد. بعضا طرح هایی هم بوده است که از نظر من نیاز نبوده انجام شود، ولی وقتی دانشجو مطالبه کرده و اعضا هم نظراتی داشته‌اند، قطعا در دستور کار ما قرار گرفته است. این نبوده که چون بنده این‌را نیاز ندیدم، از اولویت ما کنار رود. مثلا الآن به شخصه نسبت به تغذیه و خوابگاه راضی‌ام. البته نظر شخصی‌ام است. ولی با این وجود مشکلاتی که در این حوزه می‌باشد را با روی باز از دانشجوها می پذیریم و حتما هم پیگیریم و نتیجه‌اش را در کانالی که داریم و رسانه‌های مرتبط با شورا اعلام می‌کنیم.

در مورد کمیته‌هاتون فرمودید. آیا کمیته‌ها که خود اعضای شورای دانشکده‌ها نیز هستند کارها را خوب انجام می‌دهند و راضی هستید؟

● ابتدائا اگر چارت سازمانی شورای صنفی که این چارت در ابتدای کار همین دور شورا تهیه و تنظیم شد را بخواهم توضیح دهم، باید بگویم ما هر شورا را به عنوان واحد داریم که شامل دانشکده ها و خوابگاه‌ها می‌شود. یعنی مجموعا سیزده واحد داریم الآن (واحد علوم از اول انتخابات‌ش برگزار نشد و در حال حاضر فعال نیست). ما برای اعضا و دبیران‌مان دو وجه قائل هستیم. یکی عضو شورای دانشکده بودن (عضو واحد) و یکی هم عضو کمیته‌ای. یعنی به آن‌ها گفته‌ایم که یک مسئولیت کمیته‌ای هم بگیرید. یعنی دبیران ما، دبیران کمیته نیز هستند و اعضا واحدها اعضا کمیته دانشگاهی هستند. به همین دلیل ما همیشه گزارش‌های کمیته‌هایمان را از گزارش‌های واحدهای‌مان جدا می‌کنیم. یعنی شاید دبیری و یا عضوی در واحد فعال بوده باشد، اما در کمیته خیر! خب این در نگاه اول خوب است که بخشی از مسئولیتش را خوب انجام داده است و نگاه ما به قسمت مثبت هست و بنده هم رضایتم از اعضا بسیار زیاد است و دوستان واقعا برای حل مشکلات دوستان دانشجوی خود وقت می‌گذارند. با توجه به فعالیت‌شان نسبت به سایر دانشگاه‌های کشور و اینکه دغدغه‌مندند و کار می‌کنند. حالا بعضا یک سری اتفاقات کوچکی در هر مجموعه‌ای می‌افتد که باید حل شود. در همه شوراها هست. صحبت‌هایی هست همیشه. اگر کم کاری هست، آن‌را از طرف خودمان می‌بینیم. یعنی ما باید کاری را از طرف شورای مرکزی حمایت می‌کردیم و حمایت نکردیم. پس در نتیجه ما به وسیله کمیته نظارت، ارزیابی و بازرسی که در مجموعه داریم، اتفاقات را بررسی و آسیب‌شناسی می‌کنیم و بعد از یکی دو هفته که از رسیدن گزارش گذشت، ما با واحد مربوطه جلسه می‌گذاریم و بعد می‌گوییم این نکات هست و ما در این زمینه‌ها می‌توانیم بدین شکل کمک‌تان کنیم تا این آسیب‌ها کمتر شود و حرکت‌تان رو به جلو باشد. تا الآن هم در عموم کمیته‌ها و واحدهای‌مان خیلی خوب و موفق بوده‌ایم. فقط در یک جا ما موفق نبوده‌ایم که آن هم کمیته اجرایی ما است که در واقع می‌شود گفت کمیته فرهنگی ما. به دلیل نگاه برخی مسئولین وقت آن زمان که شورای صنفی نباید در این زمینه ورود کند. و ما هم آن زمان مقاومتی نکردیم. ولی خوب الآن با حضور آقای دکتر طاهری، معاونت فرهنگی- اجتماعی دانشجویی از ما درخواست شد و ما کمیته فرهنگی را مجددا احیا می‌کنیم. و با قدرت هم پیش می‌رویم. چرا که من بارها هم گفته‌ام که ماده ۲ آیین‌نامه شورای صنفی دانشجویان کشور را حتما مطالعه کنید که ۹ بند دارد و اهداف شورای صنفی دانشجویان بیان شده‌است و از ۹ بند، یک بندش پیگیری و بهبود مسائل رفاهی دانشجوها است؛ بقیه موارد بحث فرهنگ‌سازی و ایجاد همدلی و... در دانشگاه توسط شورای صنفی دانشجویان است و وظایفی که در این حوزه دارد. که الحمدلله با حضور آقای دکتر طاهری ما افق روشنی را در این زمینه می‌بینیم و ان شاءالله با قوت این کمیته را احیا می‌کنیم و پیش خواهیم رفت.

ارتباط‌تون با شورای صنفی دانشجویان کشور چه طور است؟ ایا مطالباتی بوده که با هم پیگیری کرده باشید؟

● همان‌طور که می‌دانید شوراهای صنفی اتحادیه مشخصی ندارند. و این خوب یک ضعف است. چانه‌زنی‌هایی هم در این زمینه با وزارت خانه شده که امیدواریم نتیجه دهد. ولی خوب خودمان (دبیران شوراهای صنفی دانشگاه‌ها) گروهی زده‌ایم و در آن کارهای‌مان را هماهنگ می‌کنیم. که بحث پیگیری سنوات آموزشی یکی از مهم‌ترین کارهایی بود که با هماهنگی هم‌دیگر انجام شد و بیانیه‌ای داده شد. خیلی از بیانیه‌هایی که از شورای صنفی دانشجویان کشور می آید در آن گروه مطرح می‌شود و نظرات گفته می‌شود و در نهایت بیانیه‌ای توسط دبیرانی که موافق متن بیانیه هستند امضا می‌شود و در کانال شورای صنفی کشور گذاشته می‌شود. ولی سازماندهی مشخصی ندارد و بیشتر روابط رفاقتی ما هست که با هم ارتباط می‌گیریم.

راه‌های ارتباطی شما در فضای حقیقی و مجازی با دانشجویان چیست و چگونه دانشجویان می توانند به شما مراجعه کنند؟

● راه مجازی ما کانال ماست در تلگرام و گپ به این آدرس: @fum_senfi و حضوری هم که دفتر شورای مرکزی واقع در

جنب ساختمان امور دانشجویی است که برنامه حضورمان را آنجا نوشتیم. و بقیه دفاتر را هم ملزم کرده‌ایم که این برنامه را آماده و اعلام حضور کنند. و در این اماکن پذیرای دانشجویان هستیم.

در مورد مسئولین دانشگاه و ارتباط‌شون با شما و پاسخ به پیگیری ها و کمک جهت رفع مشکلات هم توضیح بدید.

● معاونت فرهنگی-اجتماعی دانشجویی چه زمان حضورآقای دکتر داوری و چه الان که آقای دکتر طاهری مسئولیت این معاونت را بر عهده داشته است حمایت خوبی را از شورای صنفی دانشجویان انجام داده‌اند. چون نگاه هر دو بزرگوار به شورا، یک شورایی که قرار است در مقابل‌شان باشد، نیست. نگاه‌شان این است که در کنار هم هستیم و اگر شورای صنفی مشکلی را می‌بینند، آن نگاه کمک می‌کند که معاونت بتواند به سمت رفع آن قدم بردارد. و این نگاه خوبی است. ما در بعضی از دانشگاه‌ها می‌بینیم که متأسفانه مقاومت می‌شود نسبت به شورای صنفی؛ چون شورا را در مقابل‌شان می‌بینند. ولی در دانشگاه ما تا به امروز چنین نگاهی نبوده است. هر زمان نیاز به جلسه بوده است، با معاونت ها در اولین فرصت ممکن انجام شده است و با روی باز با ما صحبت کرده‌اند. و ما هم حرف‌های‌مان را زده‌ایم و مطالبات‌مان را گفته‌ایم و راه‌های پیگیری را با هم هماهنگ کرده‌ایم و در مجموع راضی هستیم. یعنی می‌توانیم بگوییم در دانشگاه ما اتفاقات مثبتی در زمینه پیگیری مشکلات صنفی دانشجویان بوده است که در کشور کم‌نظیر است. نکته مهم این‌که این نگاه مسئولین به شورا نشأت گرفته از رفتار شورای صنفی دانشجویان می‌باشد. وقتی شعارمان مطالبه‌گری منصفانه است، در برخورد با مسئولین مطالباتی را که منصفانه است بیان می‌کنیم و توقعی منصفانه داریم. و سبکی که در شورا داریم این است که اگر ایرادی از کاری می‌گیریم، راه‌های برون رفت از این مشکل را هم به مسئولین می‌گوییم، و این کمک کننده است. چون کمیته‌های ما دارند تخصصی بر روی موضوعات کار می‌کنند و وقتی نظری می‌دهند، با توجه به آیین‌نامه و ضوابط مربوط به آن مجموعه بیان می‌کنند و حال مسئولین مخیرند که از پیشنهاد شورای صنفی برای حل مشکل استفاده کنند یا از راه‌های دیگر مشکل را برطرف کنند.

توقع شما از دانشجویان که بدنه اصلی شما هستند چیست؟ با توجه به نقش مهم تک تک آن‌ها.

● همان‌طور که گفتید شورای صنفی قدرت، نفوذ و اختیارات و یا هر چیز دیگر که اسمش را بگذارید، این را از دانشجویان می‌گیرد. یعنی اگر بدنه دانشجویی از شورا حمایت کند، این شورا قوی‌تر حاضر می‌شود. در مطالبه‌گری و پیگیری از مسئولین. ابتدائا توقع ما این است که این روحیه مطالبه‌گری‌شان را احیا کنند. متأسفانه هنوز مشکلاتی هست که ما بعد از مدت‌ها متوجه می‌شویم از مدت‌ها قبل وجود داشته است و وقتی ما از دانشجو گله می‌کنیم که چرا تا به‌حال چیزی به شورا منتقل نکرده‌است، می‌گوید: ما که می‌دانیم حل نمی‌شود!!! این خمودگی خوب نیست. نه؛ همه ما کنار یکدیگر کمک می‌کنیم که بشود. تلاش‌مان را می‌کنیم. نکته بعد اینکه دانشجوها هم‌زمان انتخابات شورا و هم بعد از آن، شورا را حمایت کنند. با حضور پر نشاط و تداوم آن. وقتی که بیانیه‌ای می‌دهیم یا نظرسنجی می‌کنیم، واقعا خیلی لازم است که دانشجوها کنار ما باشند و فکر نکنند نمی‌شود. بیاییم کنار شورای صنفی که ظرفیتی است به هر حال، مطالبات‌مان را عنوان و پیگیری کنیم. و من معتقدم که بالغ بر هفتاد درصد مشکلات دانشگاه با پیگیری حل می‌شود. و ما راه‌کار برای آن داریم.

سخن آخر با دانشجویان و اگر درد و دلی دارید، بفرمایید.

● ما از روز اول به قول معروف پی همه مشکلات را به تن‌مان مالیدیم و الآن هم ناراحت نیستیم. شاید توهین ها و سنگ‌اندازی‌هایی هم باشد ولی وقتی دانشجوها راضی باشند و حتی یکی از مشکلات‌شان حل شود، خستگی ها از تن‌مان درمی آید. به هر حال قرار است آینده را با هم بسازیم. و ما خدمت را وظیفه خودمان می‌دانیم. حتی اگر زحمات را نبینند و غیر منصفانه انتقاد کنند باز هم ناراحت نیستیم چون هدف رفع مشکلات دانشجویان است و به حاشیه‌ها اهمیت نمی‌دهیم. ما هیچ امتیازی را از دانشگاه برای خودمان نگرفتیم و نمی‌گیریم. مثلا در دانشگاهی دیگر بعضا امتیازاتی هم‌چون خوابگاه نیمه بها، غذای نیمه بها و مواردی این چنینی به اعضا شورای صنفی داده می‌شود . ولی ما حتی مصوب کرده‌ایم که هیچ یک از اعضا حق دریافت هیچ امتیازی ندارد. نکته مهم که این کار واقعا عشق می‌خواهد. عشق به لبخند رضایت دانشجویی که مثلا تا دیروز مشکلی داشته و با پیگیری‌های تو رفع شده. عشق به خدمت به مردم. نکته مهم دیگر اینکه ما مأمور به تکلیفیم و نباید باری به این مهمی که بر دوشمان گذاشته‌اند را بر زمین بگذاریم و قطعا نمی‌گذاریم و تا جایی که توان داریم به سوی حل مشکل دانشجویان و تلاش برای دانشگاهی بهتر پیش می‌رویم. و ان‌شاءالله خداوند این تلاش دوستان ما در مجموعه شورای صنفی را قبول کند.

برایتان آرزوی پیشرفت و موفقیت داریم. از اینکه وقت‌تون رو در اختیار ما قرار دادید، بسیار سپاس‌گزاریم.

گزارش نشست «بررسی عملکرد شورای اسلامی شهر مشهد»

محمد تقاصی
کارشناسی صنایع ۹۵

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی به منظور بررسی عملکرد شورای اسلامی شهر مشهد، نشستی را با عنوان «بررسی عملکرد شورای اسلامی شهر مشهد» با حضور محمدرضا حیدری، رئیس شورای شهر مشهد، در روز شنبه ۲۹ اردیبهشت در محل آمفی تئاتر دانشکده مهندسی برگزار کرد. آنچه در ادامه می‌خوانید خلاصه‌ای از مباحث این نشست است

۱. گزارش‌های ابتدایی محمدرضا حیدری در مورد شورای پنجم:

محمدرضا حیدری در ابتدای این جلسه از رشد و بلوغ سیاسی جامعه در فضای کاملاً رقابتی شهر مشهد که نمونه آن‌را در زمان حضور هم‌زمان دو کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در شهر مشهد که در سال گذشته شاهد بودیم، سخن گفت.

حیدری ادامه داد: جدای از تداوم دولت تدبیر و امید در این انتخابات، اتفاقی در شورای شهر مشهد افتاد که از نگاه همه تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی اتفاق ناباورانه‌ای بود و لیست امید توانست به طور کامل رای آورد و رویکردی ۱۴ ساله در مشهد تغییر کرد،

چراکه ۱۴ سال شورای شهر مشهد در اختیار اصولگرایان بود و پس از ۱۴ سال در اختیار لیست امید و اصلاح‌طلبان قرار گرفت. ما هم برآورد این چنینی را نداشتیم و این کار با حضور مردم رقم خورد و مجموعه‌ای با برنامه مشخص در شهر به پیروزی رسیدند.

رئیس شورای اسلامی شهر مشهد با اشاره به برخی رویکردهای شورای پنجم، عنوان کرد: ما پس از اعلام نتایج انتخابات اعلام کردیم این لحظه پایان انتخابات و آغاز رویکرد حل مشکلات شهر است. ما وارد فضای سیاسی نشدیم و تاکنون از این کار پرهیز داشتیم، البته این به معنای این نیست که ما رویکردهای خود را کنار گذاشته باشیم. ما معتقدیم جای کار سیاسی در احزاب است.

وی افزود: رویکرد شورای پنجم تعامل با مراجع حاکمیتی است. ما در شورای شهر سه ماموریت داریم که اولین موضوع بحث انتخاب شهردار است، موضوع دوم وضع قوانین مورد نیاز برای اداره شهر و نکته سوم نظارت بر عملکرد شهرداری است.

حیدری با اشاره به عمکرد شورای شهر در اجرا این سه ماموریت عنوان کرد: در موضوع انتخاب شهردار شاخص‌هایی مانند بومی بودن، متخصص بودن، تجربه مدیریت شهری را داشتن و... را تعیین کردیم و نهایتاً آقای تقی‌زاده خامسی را که همه این ویژگی ها را داشت، انتخاب کردیم و تاکنون عملکرد ایشان را مثبت تلقی می‌کنیم.

وی گفت: در حوزه تصویب قوانین، تاکنون ۱۸۵ طرح و لایحه را مصوب کردیم و به لحاظ عملکرد کمی و کیفی تفاوت معناداری در رویکردها در آن وجود دارد. همچنین در حوزه‌های متفاوت برنامه‌ریزی‌های لازم را داشتیم. مهم‌ترین نکته‌ای که شورای پنجم به آن توجه دارد برگرداندن امید و اعتماد به شهرداری است و بر این اساس در نوروز شهرداری مشهد اقدام ارزشمندی را انجام داد و تقریباً شهر در فضای زیبایی قرار گرفت که براساس نتیجه نظرسنجی یک نهاد بی‌طرف حدود ۸۰ درصد زائران و ۷۰ درصد مجاورین شهر از این اقدامات ابراز رضایت کردند. همچنین در حوزه عمرانی فعالیت‌های خوبی صورت گرفت مانند میدان سعدی و خیابان دوسطحی آیت‌الله واعظ طبسی افتتاح شد و سعی کردیم این پیام را به مردم برسانیم که مدل شهری آمده است کار کند تا خدمات به مردم ارائه دهد. این‌ها نکات امیدبخشی در فضای شهری است.

رئیس شورای اسلامی شهر مشهد با اشاره به چالش‌های موجود در مدیریت شهری بیان کرد: اولین چالش این است که شهر باید متکی به خودش اداره شود، قبل از اجرای قانون شوراها، استانداران به عنوان جانشین دولت شهردار را انتخاب می‌کردند و دولت موظف بود شهر را مدیریت کند، اما اکنون شهر باید توسط منابع خود، خود را اداره کند. اگر منابع مهیا نشود، شهرداری ها با بحران مواجه خواهند بود البته اکنون نیز چنین است.

وی افزود: علاوه بر این موضوع حمل‌ونقل، آلودگی هوا و حاشیه نشینی مسائل دیگری که مدیریت شهری با آن مواجه است و ما سعی کردیم با جهت گیری‌های مناسب بر این مشکلات فائق بیاییم و برای آن‌ها برنامه‌هایی طراحی کردیم و ان شاالله با مشارکت مردم بتوانیم وعده‌هایی که به آنان داده شده است را عملی کنیم. البته در این راستا نیارمند حضور، مشارکت و نقد سازنده همه گروه ها هستیم.

۲. پرسش و پاسخ به سئوالات نماینده انجمن اسلامی دانشجویان:

حیدری در پاسخ به پرسش نماینده انجمن اسلامی دانشجویان در خصوص شفافیت در شورای شهر مشهد، گفت: شفافیت باید تعریف عملیاتی شود این طیف گسترده‌ای دارد و ما این شفافیت را از زمان انتخاب شهردار آغاز کردیم و در حال حاضر جلسات علنی شورا را به صورت زنده در فضای مجازی پخش می‌شود تا دوستان بتوانند کاملا در جریان مذاکرات شورا قرار بگیرند. همچنین بحث بودجه شورا را کاملا در فضای رسانه ای گذاشتیم و در ابتدای سال شهرداری مشهد را مکلف کردیم که ظرف مدت یک ماه سامانه‌ای برای شفافیت قراردادها آماده کند تا جزئیات تمامی معاملات شهرداری در آن قرار گیرد و بر اساس آخرین اطلاعات این سامانه آماده است به زودی راه‌اندازی می‌شود.

رئیس شورای اسلامی شهر مشهد در خصوص حقوق اعضای شورای شهر مشهد، اظهار داشت: حقوق اعضای شورا به صورت حق‌الجلسه و ماهیانه در سقف ۷۰ ساعت است. گرچه اعضای شورا زمان خیلی بیشتر از این وقت صرف می‌کنند. مبلغ آن با کسر مالیات ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان است و بیش از این از عضویت در شورای شهر حقوقی دریافت نمی‌کنیم.

۳. پرسش و پاسخ به سئوالات نماینده بسیج دانشجویی:

حیدری در پاسخ به نقد نماینده بسیج دانشجویی در موضوع کمربند جنوبی مشهد، عنوان کرد: انتظاری که ما از محیط دانشجویی داریم متفاوت است و نقد باید حساب شده و همراه با اطلاع داشته باشد. مطالعات ساخت کمربند جنوبی مشهد از سال ۱۳۷۸ شروع و در سال ۱۳۹۰ عملیات اجرایی آن آغاز شد. این پروژه مصوبه شورای عالی ترافیک کشور را دارد و جزو پروژه‌های طرح‌های دوم و سوم جامع مشهد است. شورای دوم، سوم و چهارم به آن پول و اعتبار دادند. دوستانی که از مجموعه بسیج هستند در این ۲۱ سال کجا بودند؟ بیش از صد میلیارد تومان قبل از شورای پنجم در این پروژه هزینه شده است. ما در اجرای کمربند جنوبی نقشی نداریم. ما در حالی به این پروژه رسیدیم که ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. همچنین این پروژه مصوبه کمیسیون ماده ۵ دارد که بالاترین مرجع در استان است و به امضای رئیس وقت سازمان حفاظت محیط زیست رسیده است.

وی افزود: اگر الان بحث تصویب آن مطرح بود قطعاً شورای پنجم آن مصوب نمی‌کرد. با این وجود شورای شهر کاملا در برابر ساخت‌وسازها در حاشیه این پروژه مقاومت کرده است. در شرایط موجود، کمربند جنوبی انتخابی بین بد و بدتر است. پولی از جیب مردم در این پروژه هزینه شده است. متاسفانه در فضای رسانه‌ای در این مورد به ناحق علیه شورای پنجم پرداخته می‌شود. بحث ما این است که این پروژه باید تعیین‌تکلیف شود. با صحبتی که با ریاست

دانشگاه فردوسی مشهد انجام گرفت تیم تحقیقاتی در این زمینه در دانشگاه فردوسی ایجاد شده تا برروی این مسئله کار کنند.

وی در پاسخ به سئوال دیگر نماینده بسیج دانشجویی در خصوص علت صرف هزینه برای آوردن خوانندگان و هنرمندان معروف از جمله سالار عقیلی به مشهد در حالی که شهر گرفتار مشکلات متعدد است، بیان کرد: شهر مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای است و نیاز به کار در حوزه های دیگر چون حوزه فرهنگی داشته و این نیاز مردم است و شهر نیاز به پویایی دارد.

حیدری در پاسخ به پرسش دیگر بسیج دانشجویی در موضوع خط ۳ بی‌آرتی، اظهار کرد: شما از آلودگی هوا در مشهد نگرانید و در عین حال از احداث خط ۳ بی‌آرتی انتقاد می‌کنید. بی‌آرتی یکی از مدل‌های حمل‌ونقل عمومی است که در همه جای دنیا اجرا شده است. خط ۱ قطارشهری مشهد روزانه ۱۱۰ هزار نفر را جابه‌جا می‌کند در حالی که خط ۳ بی‌آرتی با هزینه‌ای بسیار کم‌تر روزانه ۱۲۰ هزار نفر را جابه‌جا می‌کند. گرچه ممکن است عده‌ای از اجرای این طرح متضرر شوند، اما این طرح برای کل جامعه خیر عمومی دارد.

رئیس شورای اسلامی شهر مشهد همچنین در پاسخ به سوال دیگر بسیج دانشجویی در خصوص علت نرده کشی های خط بی آرتی در اطراف حرم که موجب مشکلات متعددی نظیر ترافیک به واسطه نبود محل کافی برای پارک برای مردم به ویژه کاسبان آن محل شده است، بیان کرد: ۱ میلیون خودرو در این شهر تردد می کند. در کشورهای توسعه یافته پارکینگ ها را به مرکز تجاری تبدیل می کنند. با این دلیل که همین پارکینگ باعث می شود مردم ماشین‌شان را به مرکز شهر بیاورند که در نهایت موجب ترافیک می‌شود. البته ایجاد پارکینگ در بعضی موارد ضروری است. در اطراف حرم به خاطر زائر پذیری چاره ای جز ساخت پارکینگ نداریم ولی ایجاد پارکینگ در محیط مرکزی شهر باعث ایجاد انگیزه آوردن ماشین به مرکز شهر می شود که این باعث قفل شدن سیستم می شود و این ها لازم و ملزوم هم هستند و قابل تفکیک نیستند.

وی افزود: قطعا در فضای مدیریت شهری وقتی کاری صورت می گیرد باعث می شود عده‌ای نفع ببرند و عده‌ای هم متضرر شوند. باید دید چه کسی بیشتر نفع می‌برد. در این خصوص مردم عادی که از اتوبوس استفاده می‌کنند نفع می‌برند اما در مورد اصناف باید فکری کرد.

حیدری در پاسخ به سوال دیگر نماینده بسیج دانشجویی درباره تعطیلی طرح «مشهد دوست‌داشتنی»، بیان کرد: این طرح هزینه‌های سنگینی برای شهر مشهد داشته است و زمانی که این مکان در اختیار ما قرار گرفت بسیاری از اجناس و کالاهای آن جابه‌جا شده بود به گونه‌ای که دیگر امکان استفاده از آن وجود نداشت. البته شهرداری برای این مکان برنامه‌ی دیگری دارد که اجرا خواهد شد.

حیدری همچنین در پاسخ به پرسش دیگر بسیج دانشجویی در خصوص تخریب مسجد معجردار، اظهار داشت: طرح نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر مربوط به ۱۸ سال قبل است و حدود ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و در حال حاضر چیزی از هویت آن منطقه باقی نمانده است و ما نیز بر عناصر هویت ساز منطقه تاکید داریم. اما این پروژه بین میراث فرهنگی، اوقاف و شهرداری منطقه ثامن محل بحث بود و در مسیر قانونی خود دادگاه آن را تاریخی ندانست و رای به تخریب آن داد. با این حال در حال حاضر حدود ۲۰ تا ۳۰ پروژه در اطراف حرم مطهر وجود دارد که در حال بازسازی است.

۴. پرسش و پاسخ به سئوالات نماینده انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش:

رئیس شورای اسلامی شهر مشهد در پاسخ به پرسش انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش دانشگاه فردوسی مشهد در خصوص جوانگرایی و استفاده از جوانان اصلاح‌طلب در بدنه مدیریت شهری، گفت: ترکیب و میانگین سنی مناسبی در شورای شهر داریم همچنین در شهرداری در انتخاب معاونان جوان گرایی انجام شده است. آن میزانی که ظرفیت وجود داشته جوان گرایی انجام شده است.

حیدری در پاسخ به پرسش دیگر نماینده انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش در خصوص آخرین وضعیت امیر شهلا، عضو بازداشت شده شورای اسلامی شهر مشهد، اظهار کرد: اتهامی به آقای شهلا وارد شده و همانگونه که در موضع شورای شهر مشهد اعلام شده در مرحله اتهام است و هیچ موضوعی روشن نیست و باید مسیر خود را در مسیر مناسبی طی کند. ما سعی کردیم که در تعامل با دستگاه قضایی، دولت و استانداری در مراحل مختلف شرایط ایشان را پیگیری کنیم.

حیدری ادامه داد: دستگاه قضایی هم در حال بررسی است تا در آینده نزدیک با تبدیل قرار، این عضو شورا به فعالیت خود بازگردد. در شورای شهر سعی کردیم درباره این موضوع وارد چالش‌های سیاسی نشویم، زیرا معلوم نیست به نفع شهر و مردم باشد.

۵. پرسش و پاسخ به سئوالات نماینده شورای صنفی:

وی در پاسخ به پرسش نماینده شورای صنفی دانشجویان در خصوص تخفیف ویژه قیمت حمل‌ونقل عمومی برای دانشجویان، بیان کرد: معمولا مطالبات صنفی دوستان در حوزه محدود به خود دانشگاه بوده است. مطالبات اجتماعی که دانشجویان دنبال می‌کردند، با رویکرد آرمان گرایانه و عدالت جویانه که جنبش و حرکت دانشجویی دارد همیشه معطوف به دیگران بوده است. به نظر من اقشار آسیب پذیر این شهر باید مطالبه دوستان می بود.

وی افزود: بلیط اتوبوسی که الان هست، ۱۵۰۰ تومان برای شهرداری هزینه دارد. شهروند ۵۰۰ تومان آن را می‌دهد و ۱۰۰۰ تومان آن‌را شهرداری به عنوان یارانه پرداخت می‌کند. در بودجه ۹۷ امسال، ۱۳۰ میلیارد تومان ما باید یارانه بلیط اتوبوس بپردازیم. در ماه دو میلیارد تومان فرار بلیط داریم. به این معنا که افراد استفاده می‌کنند اما کارت نمی‌زنند. این‌ها معضلات سازمان اتوبوسرانی است. حال دوستان می‌فرمایند که برای دوستان دانشجو تخفیف دهید. ما باید راهی پیدا کنیم که هم به لحاظ فنی و تکنیکی و هم به لحاظ وضعیت شهر این کار امکان‌پذیر باشد. واقعیت این است که اگر این تخفیف اعمال شود، میزان یارانه ۱۳۰ میلیاردی، باید ۱۷۰ میلیارد شود به این معنا که اگر می‌خواستیم سالی ۱۰۰ یا ۵۰ اتوبوس فرسوده را با اتوبوس‌های نو جایگزین کنیم تا جلوی آلودگی هوا را بگیریم، دیگر نمی‌شود انجامش داد. هر یک اتوبوس فرسوده ۱۴ برابر اتوبوس نو آلودگی تولید می‌کند. این‌ها واقعیت‌های جامعه است. و اگر قرار است تصمیمی در این زمینه گرفته شود اولویت با اقشار آسیب‌پذیر است.

صوت جلسه:

شهر زیر پای احزاب

مصطفی غلامی
کارشناسی اقتصاد ۹۴

داروینیسم اجتماعی در نظام انتقاد و مطالبه از دولت‌مردان در ایران حکم می‌کند، قوی‌ترها می‌مانند. قوی‌ترها در این داستان سیاسیت‌مدارانی هستند که یاد گرفته‌اند به منتقدان خود برچسب زده و کار خود را حتی در تقابل مستقیم با علم روز دنیا پیش ببرند. اندکی تأمل در نوشته‌های جیمز بوکانن و گوردن تالوک برای این دسته از عزیزان لازم است تا درک کنند کوچکترین رفتارشان هزینه اجتماعی دارد. هزینه اجتماعی که نه نتیجه تحریم است نه در ادامه کمبود منابع، فقط و فقط معلول عملکرد جاهلانه است.

کمربند جنوبی پروژه‌ای که پیوست محیط زیست ندارد و صرفا به داشتن تاییدیه‌ای که شورای همتا کار خود را از سال‌های گذشته شروع کرده است. بر همه واضح و برهن است که سوداگری نهادهای اجرایی است دلیل پیشرفت این پروژه. جاده‌ای کشیده می‌شود و قیمت زمین‌های که مالک آن آستان قدس و شهرداری و ارتش و سایر ارگان‌ها هستند چند برابر می‌شود، به دنبال این جاده کشی و شروع ساخت و ساز در این منطقه سازمانی که مجوز ساختمانی صادر می‌کند درآمد کسب می‌کند سازمانی که به طرز عجیبی شهرداری مشهد مقدس است. آری تاکنون هزینه صد میلیاردی این پروژه از جیب مردم پرداخت شده است هزینه‌ای قرار بود در ادامه باری از دوش مردم بردارد. پروژه کمبربند جنوبی که به گفته کارشناسان شهرسازی بار ترافیکی جنوب شهر را کاهش نمی‌دهد عملا تا سال‌ها بی‌کاربرد است. برای اثبات این ادعا می‌توان به تجربه بلوارهای فکوری و نماز اشاره کرد، بلوارهایی که با همین توجیه کشیده شدند، بلوارهایی که قرار بود بار ترافیکی را کمتر کنند اما زمینه‌ای شدند برای ساخت و ساز و درآمدزایی برای شهرداری. هزینه‌های زیادی در راهی غلط و جاهلانه هدر رفته است و شورای پنجم می‌تواند از ادامه این پول هدر رفتن‌ها جلوگیری کند. چه اصراری است به ادامه یک روند اشتباه، الا منفعت طلبی؟ و وجود این سئوال یعنی فقدان شفافیت. شفافیت این نیست که ما بدانیم فلان عضو شورای شهر چقدر حقوق می‌گیرد، نه تمام شفافیت این نیست. شفافیت این است که بدانیم افراد و نهادهای مختلف در سیستم مدیریت شهری چگونه فعالیت دارند و کجا امکان فساد وجود دارد.

شورای پنجم انتخاب شهردار را مثالی برای شفافیت خود اعلام کردند، اگر این‌چنین بود جناب محمدرضا کلایی در بیانیه خود یکی از دلایل انصرافش را از انتخابات شهردار گفت: عدم حمایت جوان‌ترین عضو شورا از ما، آن هم در میانه راه، و تشکیل گروهی برای دادن رأی منفی به ما توسط ایشان در شورا. فقدان شفافیت یعنی این که مردم هنوز نمی‌دانند هدف از اجرای طرح بی ار تی خط سه چه بود. آیا واقعا توجیه‌هایی که گفته می‌شود مبنی بر کاهش بار ترافیکی و آلودگی در این منطقه دلیل اجرای این طرح بود یا گمانه‌زنی‌هایی که ادعا دارند شهرداری با کاهش بار تقاضا برای بازار در حاشیه خیابان های توحید و قرنی سعی دارد تا فروشندگان این ناحیه را مجبور به نقل مکان به مجتمع‌های تجاری ساخته شده توسط خود شهرداری کند. می‌گویید عده‌ای کمی فقط ضربه می‌خورند از این طرح، ضربه خوردن به این تعداد فروشندگان را صرفا اقتصاد عده ای مغازه‌دار نبینید! این‌ها در اقتصاد شهری جریانی به هم پیوسته هستند. نمی‌دانیم توجیه اجرای طرحی که دقیقا خط سوم مترو هم از زیر آن می‌گذرد چیست؟ نمی‌دانیم نمی‌دانیم نمی‌دانیم. به عبارتی دیگر این یعنی شفافیتی وجود ندارد. جوان‌گرایی خوب است، شعار امید و زندگی دادن خوب است، اما مشکل اینقدر ساده نیست که با این اقدامات حل شود. غایت مجموعه‌های شهرداری و شورای شهر و سایر ارگان‌های شهری خدمت تعریف شده است و خدمت یعنی تلاش در جهت رفاه مردم بدون چشم داشت مادی. در این چند ساله اخیر شهرداری و شورای شهر مشهد طی چشم و هم چشمی‌های سیاسی ادوار مختلف بین چپ و راست هر کدام سعی داشته اند تا کفه ترازوی عملکرد را به سمت حزب سیاسی خود سنگین‌تر کنند. یکی مترو به این شهر می‌آورد دیگری خیابان غذا راه می‌اندازد. گروهی تقاطع غیرهم‌سطح می‌سازد و دیگری شهر را به انواع مجتمع‌های تجاری زینت می‌بخشد. هیچکدام فکر نمی‌کنند که نیاز مشهدالرضا چیست. ظاهرسازی برای چشم کوچک و بزرگ برای جلوه بخشی به شوکت احزاب، انگیزه دولت‌مردان در این شهر است جهت خدمت. اینگونه کار کردن‌ها برای شهر فقط هزینه دارد هزینه‌ای که صفر تا صد آن به مردم تحمیل می‌شود. اگر قرار باشد بودجه ای به فلان گروه تئاتر تهرانی داده شود که بیاید و در مشهد اجرا کند اختصاص داده شود اگر قرار باشد بودجه‌ای برای برگزاری جشن‌های تجلیل مختلف در نظر گرفته واضح است باید از یارانه حمل و نقل این مردم زده شود. شهرداری باید خدمت ارائه دهد، خدمتی که مردم به آن نیاز داشته باشند نه که دنبال کارهایی باشد که هیچ ربطی به اهداف وجودی این سازمان ندارد. البته ما نمی‌گوییم بودجه ای که برای شادی و تفریح مردم و کار فرهنگی می‌خواهد هزینه شود صرف کارهای عمرانی شود. خیر این‌طور نیست، این هم نیاز مردم است؛ اما بهتر است این بودجه را اسراف نکنیم و از هنرمندان بومی مشهد -که واقعا هم کارشان خوب است- استفاده کنیم. با حمایت از آن‌ها هم به ارتقا هنر مشهد کمک کردیم هم هزینه‌های اضافی را کم کردیم.

> **شفافیت این نیست که ما بدانیم فلان عضو شورای شهر چقدر حقوق می‌گیرد، نه تمام شفافیت این نیست. شفافیت این است که بدانیم افراد و نهادهای مختلف در سیستم مدیریت شهری چگونه فعالیت دارند و کجا امکان فساد وجود دارد.**

از ما به شما نصحیت حرف خوب را حتی از دهان برچسب خورده‌ای چون ما گوش کنید. مهم‌تر از دعوای بچگانه احزاب سیاسی، حل مشکلات مردم است. مردم در این میان چه گناهی دارند و چرا باید تاوان بدهند. قدم از برای گشودن گره بردارید و نگویید در این دوازده سال بسیج کجا بود که انتقاد کند. آری، بسیج بعد از سال‌ها متوجه درد مردم شده است و مطالبه دارد؛ سئوال اینجاست شما چرا هنوز به این مسائل نرسیده‌اید؟ شما چرا سر خود را در برف فرو برده اید و نمی‌خواهید حتی حرف دلسوزان مشهدالرضا را بشنوید؟ نقد به نیت اصلاح است غنیمت شمردیش.

معین میرحسینی
کارشناسی روانشناسی ۹۵

#دل_نوشته

میدونی پل صراط چیه؟

- نه

جاییه که قضاوتایی که کردی تو دنیا و نمیدونی درسته یا نه میشه ستون زیر پل.

- اهان

حالا میتونی رو اون پل راه بری؟

- نه نمیدونم

پس هر وقت مطمئن شدی چی دقیققا درسته قضاوت کن وگرنه وسط راه پل میریزه پایین...

#یک_دردودل_خودمانی

بعضی وقتا فقط باید فکرکرد

بعضی وقتا دیگه اصلا نباید بین مردم باشی

این جماعت همه افکارِ شبیه به هم دارن

گاهی دلم می‌خواهد متفاوت فکرکنم، عمل کنم...

گاهی دلم‌می‌خواهد بیخیال تمام این مردم و افکارشان شوم...

چقدر همه چی شبیه به هم، چقدرتکراری

هیچ کس نمی‌خواهد مرزهای تقلید بی چون و چرا ازدیگران رابشکند...

متفاوت بودن یعنی تجربه یک حس خوب...

یک بارهم که شده به جای تایید بدون دلیل بپرسیم چرا؟

یک بارهم شده مثل دیگران نباشیم...

#خودمان_باشیم

اهمیت ازدواج برای دانشجویان

حسن روشن
کارشناسی شیمی ۹۴

محمد جواد زارعی
کارشناسی ارشد مکانیک ۹۴

مصاحبه با حجت الاسلام علی پژمان، دانش آموخته روانشناسی بالینی دانشگاه فردوسی و طلبه‌ی سطوح عالی حوزه‌ی علمیه خراسان.

ازدواج برای دانشجویان چه اهمیتی دارد؟

● هرکدام از ما انسان‌ها یک سری نیازهایی را در وجودمان حس می‌کنیم و یک سری راه‌حل‌هایی را می‌توانیم طی کنیم.

در مورد ازدواج گاهی می‌گویند که خب چه اشکالی دارد و ما نیازمان را از راه غیر ازدواج برطرف می‌کنیم خب این درست است ولی ما زمانی نیازمان را رفع کرده‌ایم که از راه صحیح وارد شده باشیم، مثلا شما فرض کنید که تشنه‌اید و شما هیچ آبی اطراف تان نیست جز آب شور، حال اگر شما از آن آب بنوشید شاید برای ساعتی سیراب شوید ولی بعد از مدتی بیشتر احساس تشنگی می‌کنید، شاید شما بگویید که من در هر دو سیراب می‌شوم اما مطمئنا وقتی که نوشیدنی گوارایی میل نکنید آن دغدغه تشنگی شما عملا رفع نشده است و ذهن و جسم‌تان مدام درگیر است.

چه بهتر است که شما هنگامی که احساس نیاز می‌کنید به فکر حل آن باشید نه تعلیق؛ زیرا نیازها تا زمانی که رفع نشوند برای انسان مشکل سازند و یک بخشی از ذهن ما را درگیر می‌کنند و ممکن است به روح و جسم ما ضربه بزنند.

اینکه ازدواج را بگذارید بعد از حل مسائل مختلف (مثل: خانه، ماشین، سربازی، تحصیل و...) یعنی نیازتان را نادیده گرفته‌اید در حالی که همین حالا هم می‌شود از راه صحیح به این نیاز پاسخ دهید.

به نظر شما مشکل یک دانشجو برای ازدواج چیست؟

● اگر از بنده بپرسید می‌گویم مشکل اصلی ما رسانه است، جامعه ما است، آموزش و پرورش ما است و هر کسی که می‌گوید "تا فلان چیز را نداشته باشی نباید ازدواج کنی" بنا به منفعت خود یا کج سلیقگی خود این‌گونه مسائل را مشکل می‌داند.

بهتر است ما زمینه‌هایی از تقویت و نابودی یک رابطه را بدانیم. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث قطع یک رابطه می‌شود این است که من طرف مقابلم را درک نکنم و افکار و گفتار و رفتار فرد مقابل برای من قابل قبول نباشد و این از خیلی چیز ها نشأت می‌گیرد تفاوت زن و مرد، اختلاف سن، اختلاف جوامع و... .

پیشنهاد بنده این است که اگر می‌خواهید وارد وادی ازدواج شوید باید ابتدا این دو مسئله را برای خود حل کنید: اول اینکه عقایدتان را برای خودتان مشخص کنید (مرزها و خط قرمزها و ...) دوم اینکه به درجه بالای شناخت و خودآگاهی برسید زیرا تا وقتی که خودتان را نشناسید نمی‌توانید فرد مقابل را بشناسید.

آیا شما ازدواج در دوره دانشجویی را پیشنهاد می‌کنید؟

● ببینید چقدر ظرفیت شنیدن نظرات مخالف را دارید، ظرفیت خود را بالا ببرید، چشم‌هایتان را باز کنید، شناخت خودتان را تکمیل کنید، کسی که بیشترین شباهت را با شما دارد پیدا کنید، **#توکل** کنید و بروید ازدواج کنید.

نترسید ،خیلی ها ترس از ازدواج دارند اینکه دست و پایشان گرفته شود ، اگر شمایی که این متن را می خوانید قبلا رابطه ای خارج از ازدواج داشتید من به شما قول میدهم اگر در چهارچوب و ظوابط حرکت کنید نه تنها اظطراب و استرسی نخواهد بود بلکه اگر تنشی در روابط قبلی داشته اید هم حل خواهد شد و اگر ازدواجی عاقلانه داشته باشید زندگی عاشقانه خواهید داشت.

صوت مصاحبه:

انتظار عامیانه عالمانه عارفانه

هاشم عامری
کارشناسی صنایع ۹۵

اساساً تحقق کامل وضعیت مطلوب، که در سایه حکومت موعود محقق می‌شود، تنها در صورتی امکان دارد که تمام مردم با مرام الهی موعود همراهی کنند. اما تجربهٔ تاریخی حیات بشر نشان داده است که اکثر انسان‌ها از پذیرش دستورات خدا سر باز می‌زنند. پس چگونه است که پس از ظهور حضرت، مردم به صورت فراگیر و پایدار از حق تبعیت می‌کنند و موجبات استقرار همیشگی حکومت موعود را فراهم می‌آورند؟ آیا در ذائقهٔ انسان‌ها تغییر غریزی خاصی رخ می‌دهد، یا ترس از حاکمیت دینی جرأت معصیت را از آنها می‌گیرد؟ به عبارت دیگر، آیا توان اندیشیدن علیه حق از بین می‌رود یا اساساً امکان سخن گفتن از اندیشه‌های باطل نخواهد بود؟

اگر آن جامعهٔ موعود، تحقق پیدا کردنی است، آیا با پایبندی به تمام آن اصولی که رسول اکرم(ص) و جانشینان او(ع) به آنها مقید بودند تحقق پیدا خواهد کرد؟ اصولی که استفاده از زور را به حداقل می‌رساند و انعطاف‌پذیری را به حداکثر؛ اصولی که لازمهٔ رعایت کرامت انسان محسوب می‌شود و در اثر رعایت همین اصول فرصت سوءاستفادهٔ منافقان و مؤثر شدن عناد کفار فراهم می‌شود؟ پس اگر قرار است جامعهٔ مهدوی با پایبندی به آن اصول تحقق یابد، آیا حق دوباره دچار مظلومیت نخواهد شد؟ و اگر می‌شنویم حضرت دست به شمشیر برده و مخالفان دین را قلع و قمع می‌کنند، آیا این بر خلاف آن اصول نخواهد بود؟

نگاه عامیانه به منجی، در همهٔ ادیان عالم وجود دارد؛ تصور کسی که سوار بر مرکب خواهد آمد و دنیا را تنها با «اعجاز» دستانش متحوّل می‌کند و لابد بی‌نیاز به همراهی مردم و هوشیاری آنها، زمین و زمان را زیر و رو کرده و بی‌اعتنا به سنت‌های الهی و همهٔ آنچه در طبیعت حیات بشر است، سعادت را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

یکی از آثار سوء نگاه عامیانه به موضوع منجی و مهدویت، عدم اشاعه فرهنگ اصیل انتظار در جهان بشریت است. وقتی ما سطحی نگاه کردیم، و تئوری‌های حکومت آقا امام زمان(ع) را به صورت علمی بیان نکردیم و تحلیلی عالمانه از موضوع مهدویت و منجی ارائه ندادیم، کم‌کم این موضوع به یک امر خیالی و یا خرافی تبدیل شده و مانند یک سدّ بزرگ سبب می‌شود که نتوانیم فرهنگ اصیل انتظار را، به‌ویژه در میان نخبگان، اشاعه دهیم و ذهن‌ها را به صورت دقیق متوجه این موضوع کنیم.

وقتی نگاه عامیانه را کنار بگذاریم، سؤال‌ها یکی‌یکی می‌جوشند، و فکرها به کار می‌افتند. همهٔ ما در اثر جوشش این سؤال‌ها و سپس نزدیک شدن به پاسخ آنها، وظایف خود را در این زمان و برای زمینه‌سازی ظهور، بهتر خواهیم شناخت

انتظار، احساسی مربوط به زمان آینده و یک وضعیت بهتر است. بنابراین هر چقدر تصور روشن‌تری از وضع مطلوب داشته باشیم، انتظارمان بیشتر خواهد بود. کسی که از وضع مطلوب بی‌اطلاع است، منتظر چه وضعیتی است؟ کسانی که از ظلم ناراحتند امّا هیچ تصور روشنی از عدالت ندارند، معلوم نیست اساساً چقدر عدالت را می‌پسندند و می‌پذیرند؛ و چقدر حاضرند در جامعه‌ای با حاکمیت عدالت زندگی کنند.

نفس آگاهی از وضع مطلوب و دانستن چیستی و چگونگی آن، فواید بسیاری دارد، حتی اگر به انتظار نینجامد. یکی از فواید مهم آن، ایجاد زمینهٔ مناسب برای تحلیل درست گذشته و یافتن پاسخ بسیاری از سؤال‌های کلیدی حیات بشر است. مثل اینکه: چرا انبیا و اولیای الهی در طول تاریخ نوعاً مظلوم بوده‌اند؟ چرا استقرار حق این قدر به تأخیر افتاده است و آن قدر دشوار می‌نماید؟ چرا همیشه جبههٔ اشقیا، به انحای مختلف بر جبههٔ اولیا غلبه کرده‌اند؟ و بسیاری از سؤالات دیگر که پاسخ خواهند یافت. این نوع تفکر و جوشش سئوالات دقیق و یافتن پاسخ‌های درست و دقیق نسبت به مسائل ظهور نگاه عالمانه است.

نگاه عارفانه یعنی راه یافتن به اسرار معنوی مفاهیم دینی؛ و تحلیل ظواهر دین به بواطنی که عمق معنایی آن ظواهر را به ما نشان می‌دهند. عرفان از یک آگاهی عمیق خبر می‌دهد؛ معرفتی است که عموما با عقل نظری قابل دریافت نیست و نیاز به شهودی قلبی و باطنی دارد.

کتاب حاضر سه رویکرد متفاوت نگاه عامیانه، نگاه عالمانه و نگاه عارفانه به مفهوم انتظار را مورد بررسی داده و با نگاه و شیوه‌ای تحلیلی و همراه با استناد به بیش از ۲۰۰ آیه و روایت از کتب معتبر به ابعاد و زوایای مختلف انتظار پرداخته و به بسیاری از سؤالات و ابهامات در زمینهٔ انتظار پاسخ داده است. در بخش انتهایی کتاب نیز به تناسب مفهوم انتظار با جوان و ویژگی‌های جوانی پرداخته شده است. پدیدآورنده این کتاب استاد پناهیان هستند. این کتاب شامل ۲۸۰ صفحه است که به این سه موضوع پرداخته است.

گاهنامه مستقل سیاسی، صنفی، اقتصادی و اجتماعی انعکاس | شماره دوم | اردیبهشت ۹۷

مدیر مسئول و سردبیر و صاحب امتیاز: هاشم عامری
شماره مجوز: ۹۶۳۵۳۴

هیات تحریریه:
مصطفی غلامی | ایمان جعفری | رضا عاقبتی | امیرحسین بابایان | حسین فکور | علی‌اصغر یوسفی | هاشم عامری | حسن روشن | محمد تقاصی | ابوالفضل قاسم زاده | محمدمهدی حسن آبادی | محمدصادق اکبری | معین میرحسینی | محمدجواد زارعی

طراح و ویراستار: هاشم عامری

راه های ارتباطی:
حساب تلگرام: @enekas_fum
پیامک: ۰۹۱۰۵۷۲۷۳۰۰
سامانه سند: sanad.um.ac.ir/enekas

نظرات و پیشنهادات خودتون رو با ما در میون بزارید...

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار سران قوا و جمعی از مسئولان و کارگزاران نظام در تاریخ ۲/۳/۱۳۹۷، لازمه انجام وظایف و اتخاذ تصمیم صحیح درباره رفتار نسبت به آمریکا و برجام و دیگر مدعیان را بهره‌مندی از تجربه‌های گذشته دانستند و بر همین اساس به بیان ۶ تجربه و درس مهم در این خصوص پرداختند که پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR این موارد را در این اطلاع‌نگاشت مرور میکند.

آرشیو بروز نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد
sanad.um.ac.ir
در سایت سند : sanad.um.ac.ir
لیست نشریات فعال
اسناد و آئین نامه ها • دستور العمل نشریات دانشگاهی
نحوه ثبت آرشیو نشریه
نحوه شرکت در جشنواره نشریات
نحوه درخواست مجوز نشریه
نحوه دریافت حمایت مالی
آرشیو کامل نشریات دانشجویی
اخبار و اعلان های خانه نشریات
اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات